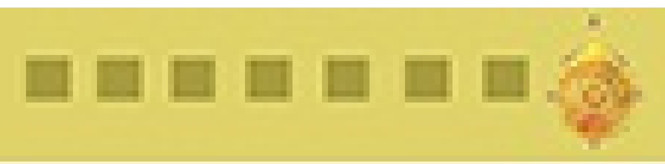


جلوه هایی از

دریای بیکران

مهر و محبت واسعه الهی در قرآن و روایات



برگرفته از کتاب های استاد حسین انصاریان

گرد آورنده : خانم روشندل زهرا ایت


بسم الله الرحمن الرحيم

جلوه هایی از دریای بیکران مهر و محبت واسعه الهی در قرآن و روایات

نویسنده:

زهرا آیت

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

جلوه هایی از دریای بیکران مهر و محبت واسعه الهی در قرآن و روایات

مشخصات کتاب

جلوه هایی از دریای بیکران مهر و محبت واسعه الهی در قرآن و روایات

برگرفته از کتاب های استاد حسین انصاریان

گرد آورنده : خانم روشندل زهرا آیت

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی جمیع الانبیاء و المرسلین و الائمه المعصومین علیهم السلام.

رابطه سوره حمد میان رب و عبد

شیخ طوسی بزرگ فقیه و اصولی و مفسر کم نظیر در کتاب امالی، و چهره برجسته حدیث شیخ صدوق در کتاب عیون اخبار الرضا از حضرت عسکری از پدرانش از امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت میکند که آن حضرت فرمود:

رسول خدا گفت: خدای عزّ وجلّ فرمود: فاتحه الکتاب را میان خود و بنده ام تقسیم کرده ام، نیمی برای من و نیمی برای بنده ام و حق اوست هر آنچه بخواهد.

هنگامی که بگوید: بِسْمِ اللّهِ اَلرَّحْمَنِ اَلرَّحِیمِ خدا میگوید: بنده ام به نام من آغاز نمود، بر من سزاوار است که امورش را به نفع او به نتیجه برسانم و در احوالش برکت قرار دهم.

چون بگوید: اَلْحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ اَلْعٰالَمِینَ خدا میگوید: بنده ام مرا ستایش کرد، و دانست که یقیناً همه نعمتهائی که در اختیار اوست از سوی من است، و بی تردید بلاهائی که از او برطرف میکنم به نیروی فضل و احسان من است، شما را «ای فرشتگان»، گواه میگیرم که به نعمتهای دنیایش نعمتهای آخرت را نیز بیفزایم، و بلاهای آخرت را از او بگردانم، چنان که بلای دنیا را از او برطرف نمودم.

زمانی که بگوید: اَلرَّحْمَنِ اَلرَّحِیمِ خدای جل جلاله میگوید: بنده ام گواهی داد که من رحمان و رحیمم، شما را «ای فرشتگان»

گواه میگیرم که: بی تردید از رحمتم بهره ای فراوان و نصیبش را بسیار میدهم.

هنگامی که بگوید: مَالِكِ يَوْمِ اَلدِّينِ خدای جل جلاله میفرماید: شما را گواه میگیرم همچنان که اعتراف نمود، من مالک روز پاداشم، البته حسابش را روز حساب آسان گردانم و از بدیهایش گذشت کنم.

چون بگوید: إِيَّاكَ نَعْبُدُ خدای عزّ و جلّ میگوید:

بنده ام راست گفت، فقط مرا بندگی میکند. شما را گواه میگیرم که حتماً برای بندگی اش آنچنان پاداشی دهم که هرکس بندگی اش را نسبت به من مخالفت کند افسوس و غبطه بخورد.

زمانی که بگوید: وَ إِيَّاكَ نَسْتَعِينُ، خدای عزّ و جلّ میفرماید: بنده ام فقط از من کمک خواست و به من پناهنده شد، شما را گواه میگیرم که بی تردید مددکار اویم و قطعاً در سختیها به دادش میرسم و روز گرفتاریش یقیناً دست او را میگیرم.

چون بگوید: اِهْدِنَا اَلصِّرَاطَ اَلْمُسْتَقِيمَ تا آخر سوره، خدای عزّ و جلّ میگوید: این بنده من است و برای اوست آنچه بخواهد:

دعای بنده ام را مستجاب کردم و آنچه خواست به او عطا نمودم و او را از آنچه در هراس و نگرانی است امان دادم.

هدیه ای گرانبها از جانب خداوند مهربان

روایتی بسیار مهم و حدیثی فوق العاده با ارزش که در پایان کتاب پرقیمت عدّه الداعی اثر «ابن فهد حلّی رحمه الله» آمده:

امین وحی خندان و با بشارت به همراه این دعا بر پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نازل شد.

پس گفت: سلام بر تو ای محمد. آن حضرت پاسخ داد: و بر تو سلام ای جبرئیل.

سپس جبرئیل گفت: حق تعالی برای تو هدیه

ای فرستاده است. آن حضرت فرمود: چیست؟ عرض کرد: کلماتی است از گنجهای عرش که خدا عرش را به آنها گرامی داشته و مخصوص فرموده است. پیامبر صلی الله علیه و آله گفت: آن کلمات چیست؟ جبرئیل گفت:

«یَا مَن أَظهَرَ الجَمیلَ وَسَتَرَ القَبیحَ، یَا مَن لَم یُؤاخِذ بِالجَریرَهِ وَلَم یَهتِکِ السِّترَ، یَا عَظیمَ العَفْوِ یَا حَسَنَ التَّجاوُزِ، یَا وَاسِعَ المَغفِرَهِ یَا بَاسِطَ الیَدَینِ بِالرَّحمَهِ، یَا صَاحِبَ کُلِّ نَجوَی وَمُنتَهَی کُلِّ شَکوَی، یَا کَریمَ الصَّفحِ، یَا عَظیمَ المَنِّ، یَا مُبتَدِأً بِالنِّعَمِ قَبلَ اسْتِحقَاقِهَا، یَا رَبَّنَا وَیَا سَیِّدَنَا وَیَا مَولَانَا وَیَا غَایَهَ رَغْبَتِنَا، أَسْأَلُکَ یَا اللّهُ أَن لَا تُشَوِّهَ خَلقِی بِالنَّارِ».

ای کسی که خوبی را آشکار کردی و بدی را پوشاندی، ای کسی که به گناه و جنایت مؤاخذه نکردی و پرده حرمت و آبرو را ندریدی، ای که عفوَت عظیم است و گذشتت نیکوست و آمرزشت گسترده و فراگیر، ای که دو دست قدرتت به رحمت گشوده است، ای صاحب هر راز و نهایت هر شکایت، ای که چشمپوشیت بزرگوارانه است، ای که نعمتت عظیم است، ای شروع کننده به نعمت پیش از استحقاق آن، ای پروردگار و آقا و مولا و نهایت رغبت و شوق ما، ای خدا، از تو میخواهم که وجودم را به آتش زشت نگردانی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: ثواب این کلمات چیست؟ جبرئیل گفت:

هیهات، هیهات، که دانش و آگاهی به ثواب این کلمات قطع شده است. اگر فرشتگان هفت آسمان و هفت زمین بر وصف این دعا اجتماع کنند تا روز قیامت نمیتوانند از هزار جزء یک جزء این دعا را وصف

کنند.

هرگاه عبد بگوید: «يَا مَن أَظهَرَ الجَميلَ وَسَتَرَ القَبيحَ»؛ خدا گناهان او را بر او میپوشاند و در دنیا به او رحمت میآورد و حالش را در آخرت نیکو میگرداند و هزار پرده در دنیا و آخرت بر او میپوشاند.

و هرگاه بگوید: «يَا مَن لَم يُؤاخِذ بِالجَريرَةِ وَلَم يَهتِكِ السِّترَ»؛ حق تعالی او را در قیامت محاسبه نکند و پرده اش را، روزی که پرده ها دریده شود، ندرد.

و هرگاه بگوید: «يَا عَظيمَ العَفْوِ»؛ گناهانش را، هرچند مانند کف دریاها باشد، میآمرزد.

و هرگاه بگوید: «يَا حَسَنَ التَّجاوُزِ»؛ از او حتی از دزدی و شرب خمرش، و از هولهایی که در دنیاست، و از گناهان کبیره اش میگذرد.

و هرگاه بگوید: «يَا وَاسِعَ المَغفِرَةِ»؛ خدای مهربان برای او هفتاد در از رحمت میگشاید، پس در رحمت خدا فرو میرود تا از دنیا بیرون رود.

و هرگاه بگوید: «يَا بَاسِطَ اليَدَينِ بِالرَّحمَةِ»؛ خدا دست قدرتش را به رحمت به روی او باز میکند.

و هرگاه بگوید: «يَا صَاحِبَ كُلِّ نَجوَى وَمُنتَهَى كُلِّ شَكوَى»؛ او را از پاداش و ثواب هر مصیبت رسیده- چه بلا و چه غیر آن- و هر سالم از بلایی و هر بیماری و هر کوری و هر مسکینی و هر صاحب مصیبتی تا روز قیامت عطا میکند.

و هرگاه بگوید: «يَا عَظِيمَ المَنِّ»؛ آرزوی او و مانند آرزوی همه خلایق را به او عطا مینماید.

و هرگاه بگوید: «يَا مُبْتَدِأً بِالنِّعَمِ قَبلَ اسْتِحقَاقِهَا»؛ به او برابر پاداش کسی که شکرگزار نعمتهای خدا باشد، عنایت میکند.

و هرگاه بگوید: «يَا رَبَّنَا وَسَيِّدَنَا»؛ خدا میفرماید: ای فرشتگانم، شاهد باشید که او

را آمرزیـدم و بـه او مزد و پـاداش دادم به شـمار هرکه او را آفریـده ام، چه در بهشت و چه در دوزخ و در آسـمان و زمینهـای هفتگانه و آفتاب و ماه و ستارگان و قطره های باران و انواع موجودات و کوهها و ریگها و خاک و عرش و کرسی و غیر آنها!!

و هرگاه بگوید: «یَا مَولَانَا»؛ دلش را از ایمان پر میکند.

و هرگاه بگوید: «یَا غَایَةَ رَغْبَتِنَا»؛ روز قیامت مانند خواسته های همه خلایق را به او عطا میکند.

و هرگاه بگویـد: «أَسأَلُکَ یَا اللّهُ أَن لَا تُشَوّهَ خَلقِی بِالنَّارِ»؛ خـدا میگویـد: بنده من آزادی از آتش را خواست، ای فرشـتگان من گواه باشید او را و پدر و مادر و برادرانش و اهل و اولاد و همسایگانش را آزاد کردم و شفاعتش را درباره هزار مرد از کسانی که آتش بر آنها واجب شده پذیرفتم و وی را از دوزخ پناه دادم.

پس جبرئیـل گفت: یـا محمـد، این کلمـات را به اهـل تقوا تعلیم کن و در اختیـار منـافقین مگـذار، این دعـا برای گوینـده اش مستجاب است و دعای اهل بیت المعمور است هرگاه آن را طواف کنند.»(۱)

اشـاره به این نکته لازم است که نبایـد خواننـدگان محترم از این همه ثواب عظیم و پـاداش فوق العـاده که برای این دعا گفته شده تعجّب کنند و آن را دور از حقیقت بدانند؛

زیرا کرم خدا بینهایت و لطف و رحمتش بیپایان است و خزائن پاداشش تمام ناشدنی.

دعا در قرآن و روایات معصومین علیهم السلام

بیان حاجت و اظهار گـدایی- و اعلام این معنا که ای مهربانترین مهربانان، من جز فقر چیزی نیسـتم و غیر گدایی از پیشگاهت کاری

۱- عدّه الداعی: ۳۳۷- ۲۳۹.

نمیـدانم و جز اشـک و آه و امیـد و دلگرمی سـرمایه ای نـدارم- مطلـوب حضـرت مولاـست، و در حقیقت مطلـوب اطـاعت و فرمانبرداری از حضرت اوست؛ مگر نه این است که در قرآن مجید فرمان به دعا داده و اجابت دعا را خود ضامن شده است

«أُدْعُونی أسْتَجِبْ لَکُمْ».(۱)

مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم.

در آیه شریفه «اُدْعُونِی أَسْتَجِبْ لَکُمْ» بین دعا و اجابت، فاصله ای قرار نداده و استجابت را منوط به دعا نموده است.

منبع فیض بینهایت، دریای بی ساحل کرامت، فراهم آورنـده فضای هـدایت، نازل کننده سـفره دانش و حکمت، حضـرت ربّ العزّت در قرآن مجید میفرماید:

«قُل مَا یَعبَأُ بِکُم رَبّی لَولا دُعَاؤُکُم» (۲)

«ای پیامبر رحمت، به مردم» بگو: اگر دعای شما نباشد، پروردگارم هیچ اعتنا و نظری به شما نکند.

دعا، وسیله جلب اعتنای خدا و زمینه جذب رحمت الهی به سوی دعا کننده است.

اعتنا و نظری که سفره شقاوت را از خیمه حیات انسان برمیچیند و مائده سعادت و خوشبختی را برای دعا کننده میگستراند.

انتظار همیشگی انسان از معبود و بزرگ خویش، آن است که خواسته او را برآورده کند تا از این طریق، ارتباطش قوّت یافته و نسبت به باور خود دلگرم شود.

خداونـد حکیم و قـادر متعال نیز این خواسـته طبیعی بنـدگان را به نحو احسن تـدارک دیـده، به گونه ای که بین دعای بنـده و اجابتِ خواسته او هیچ فاصله ای قرار نداده.

محبوب محبان، معشوق عاشقان، انیس ذاکران، جلیس شاکران، یاور بندگان، تکیه گاه صاحبدلان، در قرآن مجید میفرماید:

«وَإِذَا سَأَلَکَ عِبَادِی عَنِّی فَإِنِّی قَرِیبٌ أُجِیبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» (۳)

هنگامی که بندگانم

۱- غافر (۴۰): ۶۰.

۲- فرقان (۲۵): ۷۷.

۳- بقره (۲): ۱۸۶.

درباره من از تو سؤال کنند، [پاسخش این است] که من یقیناً نزدیکم، دعای دعا کننده را چون مرا بخواند مستجاب میکنم.

خدای مهربان در این آیه به انسان میآموزد که با تمام شوق به درگاه من روی آور و با دست طلب به درگاه من بکوب و جز به دریای فضل و رحمت من دل مبَند.

خداوند مهربان به نزدیک بودن خویش با بنده اش تصریح کرده و علاوه بر آن، در بیان نحوه اجابت دعای بنده خویش، هیچ فاصله ای بین «أُجِیبُ» و «إِذَا دَعَانِ» قرار نداده است.

دعا، محبوب خدا و معشوق سالکان، نور چشم عارفان، راز و نیاز مشتاقان، چراغ شبِ دردمندان، تکیه گاه مستمندان، و نور قلب نیازمندان است.

آری، جز خدا هیچکس به بندگان نزدیک نیست. او نزدیکی است که انسان را به وجود آورده، و او را در رحم مادر پرورش داده، و از رحم مادر به دنیا انتقال داده، و در دنیا، سفره مادی و معنوی اش را برای این مهمان با کرامت گسترده،

و انبیا را برای هدایت او به سعادت دنیا و آخرت برانگیخته، و نعمت بی نظیری چون قرآن و امامان معصوم علیهم السلام را برای او قرار داده،

و درد تشنگیش را با آب زلال و صاف درمان میکند و رنج گرسنگیش را با غذای مناسب و گوارا برطرف میسازد.

بیماریهایش را به درمان میرساند. تنهاییش را با زن و فرزند و دوستان و یاران جبران میکند. برهنگی اش را با انواع لباسها میپوشاند. محبّتش را در دلها مینهد. مشکلاتش را هرچند شدید و سخت باشد میگشاید. سلامتش را تداوم میبخشد. به

ارزش و اعتبار و آبرویش می افزاید و این همه را جز خدا چه کسی میتواند برای او فراهم آورد و چه کسی چون خدا به تمام احوالات و نیازمندیها و حاجات او آگاهی دارد؟

آری، او از همه به انسان نزدیکتر است. تا جایی که در قرآن مجید فرموده:

«وَلَقَد خَلَقنَا الإِنسانَ وَنَعلَمُ ما تُوَسْوِسُ بِهِ نَفسُهُ وَنَحنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِن حَبلِ الْوَرِيدِ»(۱)

هر آینه انسان را به وجود آوردیم و آنچه را نَفْس او به آن وسوسه میکند میدانیم و ما از رگ گردن به او نزدیکتریم.

وجود مبارک حضرت حق، بندگان را در تمام حالات، به دعا کردن فرمان داده و از آنان خواسته در خوشیها و ناخوشیها به پیشگاه عزّتش پیشانی ذلت سایند و به درگاه رحمتش دست به دعا بردارند و با دلی فروتن و اشکی مایه گرفته از قلب شکسته، نیازهایشان را از او بخواهند و به وعده قطعی و حتمی و یقینی او در مورد استجابت دعا امیدوار باشند.

احسان و فضل حق نسبت به همه موجودات به ویژه انسان، فراگیر است و سفره رحمت بینهایتش گسترده، و لطف و مهربانی و کرمش برای همگان آماده است.

درگاهش درگاه نومیدی نیست، و پیشگاهش پیشگاه بخل و طرد کردن نمی باشد.

فضل و جود و کرم و بخشش دائمی است و دست عطایش برای عطا کردن به همگان باز و چشم انتظاریش برای روی آوردن بندگان به درگاهش همیشگی است.

به حضرت داوود علیه السلام خطاب فرمود:

«زمینیان را بگو: چرا با من دوستی نمی کنید که سزاوار دوستی منم؟ من خدایی هستم که با من بخل نیست، با داناییم جهل

۱- ق (۵۰): ۱۶.

نیست، بـا صبرم ناتوانی نیست، در صـفتم تغییر نیست، در گفته ام تبـدیل نیست، رحمتم فراگیر است، از فضل و کرم برنگردم، در ازل بر خـود رحمت نوشـتم، عود محبّت سوختم، دل بنـدگانم به نور معرفت افروختم، من دوست آنم که مرا دوست است، رفیق آنم که مرا رفیق است، همنشین آنم که در خلوتِ ذکر با من است، مونس آنم که به یاد من انس دارد.

داوود، هرکه مرا جوید، مرا یابد، و او که مرا یابد سزاوار است که مرا نبازد.

داوود، نعمت از ماست، شکر دیگری میکنند؛ دفع بلا از ماست، از دیگری میبینند؛ پناهگاهشان حضرت ماست، به دیگران پناه میبرند؛ میگریزند ولی عاقبت باز میگردند!!»(۱)

چنین متن زیبا و پرمعنایی در کتاب های با ارزش اسلامی، فراوان به چشم میخورد.

اینگونه متنها، به انضـمام آیات قرآن، مژده عظیمی از جانب خـداست که بنـدگان به فضل و احسانش امیـد بندنـد، و برای روا شـدن حاجاتشان، دست گـدایی به سوی او بردارنـد، و بدانند که راه رسیـدن به مقاصد و مطالبشان، دعاست و کمتر اتفاق می افتد که مهمی از مهماتشان و حاجتی از حاجاتشان بدون دعا برآورده شود.

به همین خاطر، روایات صادره از جانب اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، برای دعا جایگاهی خاص و ارزشی ویژه باز کرده اند.

از امیر المؤمنین علیه السلام روایت شده:

«أَحَبُّ الأَعمالِ إِلَی اللّهِ تَعَالی فِی الأَرضِ الدُّعاءُ»

محبوبترین کارها نزد خدا بر روی زمین، دعاست.(۲)

و نیز آن حضرت فرمود:

«الـدُّعاءُ مَفاتِیـحُ النَّجاحِ وَمَقالیـدُ الفَلاحِ. وَخَیْرُ الدُّعاءِ مَا صَدَرَ عَن صَدْرِ نَقِیٍّ وَقَلْبِ تَقِیٍّ. وَفِی المُناجاهِ سَـبَبُ النَّجاهِ. وَبِالإِخلاصِ یَکونُ الخَلاصُ. فَإِذا اشتَدَّ الفَزَعُ فَإِلَی اللّهِ المَفزَعُ»

۱- محجّه البیضاء: ۸/ ۵۸.

۲- الکافی: ۲/ ۴۶۷، باب فضل الدعاء، حدیث ۸؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۳۰، باب ۳، حدیث ۸۶۲۸.

عا کلیدهای پیروزی و مخازن کامیابی است. بهترین دعا، دعایی است که از سینه صاف و دل پاک درآید.

و در مناجات، وسیله نجات و رهایی به اخلاص است. و چون بیتابی سخت شود، پناهجویی به درگاه خداست.

(۱)

آن زمان که بنده ای پروردگار خویش را با صفت قدرت میخواند، و به این حقیقت اقرار میکند که تنها تویی که در همه عالم خواسته ات حتمی و بی بازگشت است، با خاطری آسوده و امیدواری مضاعف، خواسته خویش را از پروردگارِ بی همتا طلب میکند؛

چرا که میداند اگر او اراده ای نماید، هیچ قدرت و مقامی تاب مقاومت در برابر اراده او را ندارد.

ای مهربان و محبوب من، با کلید لطف و عنایتت، مشکلاتم را برطرف کن، و سختیهایم را از زندگی ام بردار، و شدائد و مصائب را از من دور فرما، و مرا از زندان گرفتاریها نجات بخش، و به اراده ربوبی و رحمت بیپایان و کرم و احسان بینهایتت، حاجاتم را روا کن، و خواسته هایم را برآور، و کشکول گداییم را از فیوضات خاصه ات پر کن.

امام صادق علیه السلام فرمود:

«مَا اجتَمَعَ أَربَعَهٌ قَطُّ عَلی أَمرٍ واحِدٍ فَدَعوا إِلّا تَفَرَّقُو عَن إِجَابَهٍ»

هرگز چهار نفر بر کار واحدی جهت دعا به خاطر گشایش آن کار اجتماع نمی کنند، مگر اینکه با مستجاب شدن آن دعا، از یکدیگر جدا میشوند.(۲)

دعا کننده باید به این حقیقت آگاه باشد که خدای مهربان او را به دعا دعوت فرموده و مستجاب شدن دعا را ضامن شده و اجابت دعا بر حضرت او کاری بسیار سهل و آسان است؛ زیرا تمام موجودات هستی در سایه

۱- الکافی: ۲/ ۴۶۸، باب أن الدعاء سلاح المؤمن، حدیث ۲؛ محجّه البیضاء: ۲/ ۲۸۴، باب ۲.

۲- الکافی: ۲/ ۴۸۷، باب الاجتماع فی الدعاء، حدیث ۲؛ جامع احادیث الشیعه: ۱۹/ ۳۵۴.

فرمانروایی مطلق اویند، و او با یک فرمان و با بکارگیری یک دستور تمام زمینه های اجابت را برای بنده دعا کننده اش فراهم میکند.

آن خدای مهربانی که قدرت و بصیرت و کرم و لطف و مغفرت و فیض و رحمتش بینهایت است و به بنده اش- به ویژه به هنگام دعا و مناجات و راز و نیاز- محبّت خاص دارد.

خدای مهربان، به موسی بن عمران خطاب کرد:

«یَابْنَ عِمْرَانَ، هَبْ لِی مِنْ قَلْبِکَ الخُشُوعَ، وَمِنْ بَدَنِکَ الخُضُوعَ، وَمِنْ عَیْنِکَ الدُّمُوعَ فِی ظُلَمِ اللَّیْلِ، وَادْعُنِی فَإِنَّکَ تَجِدُنِی قَرِیباً مُجِیباً»

ای پسر عمران، به پیشگاه من از قلب خود خشوع، و از بدنت فروتنی، و از دیده ات در دل تاریک شب اشک بیاور، و مرا بخوان که یقیناً مرا نزدیک و اجابت کننده خواهی یافت.(۱)

حضرت حق به عیسی علیه السلام فرمود:

یَا عیسی، أُدْعُنِی دُعاءَ الغَرِیقِ الَّذِی لَیْسَ لَهُ مُغِیثٌ.

ای عیسی، مرا همچون خواندن غریقی که فریادرسی ندارد، بخوان.(۲)

امام صادق علیه السلام فرمود:

إِذَا أَرادَ أَحَدُکُم أَنْ لَا یَسأَلَ رَبَّهُ شَیْئاً إِلَّا أَعْطاهُ فَلْیَیْأسْ مِنَ النَّاسِ کُلِّهِم وَلَا یَکُونَ لَهُ رَجاءٌ إِلَّا عِنْدَ اللّاهِ، فَإِذَا عَلِمَ اللّهُ عَزَّ وجَلَّ ذالِکَ مِنْ قَلْبِهِ لَمْ یَسْأَلِ اللّهُ شَیْئاً إِلَّا أَعْطاهُ.

هرگاه یکی از شما اراده کند که چیزی را از پروردگارش نخواهد مگر آنکه به او عطا کند، باید از همه مردم مأیوس شود و امیدی جز به خدا نداشته باشد، چون خدای عز و جل چنین حالتی را از دل بنده اش ببیند، چیزی را از خدا نخواهد مگر آنکه به او عطا کند.(۳)

هنگامی که حال انقطاع دست دهد و دل جز به حضرت حق توجّه

۱- الأمالی «صدوق»: ۳۵۶، مجلس ۵۷؛ بحار الأنوار: ۶۷/ ۱۴، باب ۴۳، حدیث ۲.

۲- الکافی: ۸/ ۱۳۸، حدیث ۱۰۳؛ بحار الأنوار: ۱۴/ ۲۹۵، باب ۲۱.

۳- الکافی: ۲/ ۱۴۸، باب الاستغناء عن الناس، حدیث ۲؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۱۴۲، باب ۶۵، حدیث ۸۹۵۳.

نداشته باشد، و دو چشم، چون دو چشمه آب به درگاهش اشک زاری و انابه ریزد، و چهره بر خاک مذلت گذارده شود، سر به دامن رحمت برگیرند، دست لطف به نوازش به سر کشند، درهای عنایت بگشایند، مشکلات را حل کنند، در همه امور انسان، نظر کریمانه اندازند، و با داشتن پرونده پر از مخالفت و معصیت، به پیشگاه لطف و رحمت راه دهند و کمال محبّت را در حق انسان رعایت نمایند.

نظر رحمت حق، نظری است که پرتو آن حضرت نوح علیه السلام و مؤمنان را از آن طوفان عظیم رهانید، و چوب خشکی را در دست حضرت موسی علیه السلام برای از میان بردن سطوت فرعون تبدیل به اژدها کرد، و بنی اسرائیل را از میان امواج آب خروشان رود نیل به ساحل نجات رسانید، و حضرت ایوب علیه السلام را از دریای بلا و مصیبت نجات داد و حضرت یوسف علیه السلام را از قعر چاه تاریک به تخت عزیزی مصر نشانید و....

در حدیثی قدسی که در کتاب های مهم نقل شده، به مطالبی مهم و واقعیاتی بسیار ارزنده در این زمینه- که فقط باید حاجت به درگاه او برد و از غیر او روی گرداند- اشاره شده که ترجمه آن متن ملکوتی و حقیقت عرشی چنین است:

«آیا بنده ام در سختیها و شدائد به غیر من امید میبندد، که غیر من آن سختیها و شدائد را از او برطرف کند؟ در حالی که برطرف کردن سختیها و شداید به دست قدرت من است! آیا بنده من به غیر من امیدوار است که نیازها و حاجاتش را برآورده

کند و از تهیدستی و فقر نجاتش دهد؟ در حالی که توانگر و بخشنده و کریم و جواد منم و همه درهای حاجات نزد من و کلیدهایش در دست لطف و رحمت من است!

چه شده که بنده ام را رویگردان از خود میبینم، در حالی که آنچه را از من نخواسته با جود و کرم به او عطا کرده ام، و اکنون با این همه نیاز و حاجت و التماس و درخواستش از من روی برگردانده و حوائج و نیازمندیش را نزد غیر برده است؟!

منم خدا، که خدایی جز من نیست، بدون اینکه از من بخواهند عطا میکنم؛ آیا اگر بخواهند عطا نمی کنم؟!

آیا دریای بینهایت جود و کرم، از من نیست؟ آیا دنیا و آخرت در دست من نیست؟!

اگر تمام اهل آسمانها و زمین، مانند آسمانها و زمین را از من درخواست کنند و من به آنان عطا نمایم، به اندازه بال مگسی از مملکت من کم نمی آید.

زشتی باد بر کسی که از من روی میگرداند و از غیر من خواسته هایش را میطلبد، و رفع مشکلات و سختیهایش را از غیر من میخواهد!»(۱)

در دعای سیزدهم الصحیفه السّجّادیه آمده

«وَنَسَبْتَهُمْ إِلَى الْفَقْرِ وَهُمْ أَهْلُ الْفَقْرِ إِلَيْكَ. فَمَنْ حَاوَلَ سَدَّ خَلَّتِهِ مِنْ عِنْدِكَ، وَرَامَ صَرْفَ الْفَقْرِ عَنْ نَفْسِهِ بِكَ فَقَدْ طَلَبَ حَاجَتَهُ فِي مَظَانِّهَا، وَأَتَى طَلِبَتَهُ مِنْ وَجْهِهَا. وَمَنْ تَوَجَّهَ بِحَاجَتِهِ إِلَى أَحَدٍ مِنْ خَلْقِكَ أَوْ جَعَلَهُ سَبَبَ نُجْحِهَا دُونَكَ فَقَدْ تَعَرَّضَ لِلْحِرْمَانِ، وَاسْتَحَقَّ مِنْ عِنْدِكَ فَوْتَ الإِحْسَانِ...

فَقَصَدْتُكَ، يَا إِلاهِي، بِالرَّغْبَةِ، وَأَوْفَدْتُ عَلَيْكَ رَجَائِي بِالثِّقَةِ بِكَ. وَعَلِمْتُ أَنَّ كَثِيرَ مَا أَسْأَلُكَ يَسِيرٌ فِي وُجْدِكَ، وَأَنَّ خَطِيرَ مَا أَسْتَوْهِبُكَ حَقِيرٌ فِي وُسْعِكَ، وَأَنَّ كَرَمَكَ

۱- انیس اللیل: ۱۹۶.

لا یَضِیقُ عَنْ سُؤَالِ أَحدٍ، وَأَنَّ یَدَکَ بِالْعَطَایَا أَعْلَی مِنْ کُلِّ یَدٍ.»

آفریده ها را به نیازمندی نسبت داده ای و آنان هم بی چون و چرا نیازمند به تو هستند؛ پس کسی که ترمیم خلأ و شکاف زندگیش را از تو بخواهد و تغییر تهیدستی و فقرش را از تو درخواست کند، یقیناً حاجتش را از جایگاه اصلیش خواسته و به دنبال مطلبش از راه صحیح و درستش آمده است. و کسی که برای حاجتش به یکی از آفریده های تو رو کند، یا او را به جای تو وسیله رسیدن به نیازش قرار دهد، قطعاً خود را در معرض محرومیّت قرار داده و سزاوار از دست رفتن احسان تو شده است.

با اشتیاق و شوق آهنگ تو کردم، و از باب اطمینان به تو، امیدم را به جانب حضرتت آوردم، و دانستم آنچه را از تو میخواهم، هرچند زیاد باشد، در کنار داراییت اندک است، و چیزهای با ارزشی که بخشش را از تو درخواست میکنم، در جنب تواناییت کوچک و بی مقدار است.

دایره کرم و بزرگواریت با تقاضای هیچ کس تنگ نمیشود، و دست بخشندگی ات از هر دستی برتر است.

«لَا إِلاهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحانَکَ إِنِّی کُنْتُ مِنَ الظّالِمِینَ* فَاسْتَجَبْنا لَهُ وَنَجَّیْناهُ مِنَ الغَمِّ وَکَذالِکَ نُنجِی المُؤمِنِینَ»

معبودی جز تو نیست تو را از هر عیب و نقصی منزّه می دانم، به راستی من از ستمکاران (بر خود) بودم.

پس دعایش را مستجاب کردیم و او را از اندوه نجات دادیم و اینگونه مؤمنان را نجات میدهیم.(۱)

صاحب تفسیر منهج الصادقین در شرح این آیه از رسول خدا صلی الله علیه و

۱- انبیاء (۲۱): ۸۷- ۸۸.

آله روایت کرده که آن حضرت فرمود:

مَا مِنْ مَکْرُوبٍ یَدْعُو بِهاذا الدُّعاءِ إِلَّا اسْتُجِیبَ لَهُ (۱)

هیچ غمناکی نیست که این دعا را بخواند مگر اینکه دعایش مستجاب شود.

آری، خدای مهربان و توانا قدرت دارد که تأثیر مؤثرات را از کار بیندازد، و راه بسته را به روی عبد بگشاید.

او خدای توانایی است که اثر سوزاندن آتش را، برای حفظ ابراهیم علیه السلام از آتش برداشت و اثر بریدن کارد تیز را، هنگام ذبح اسماعیل علیه السلام از کار انداخت؛

تأثیر گناه را هم که سبب بسته بودن راه دعاست، میتواند از کار بیندازد و عبد را به برآورده شدن حاجات و رسیدن به مقاصدش یاری دهد.

آثار دعا و شرایط اجابت آن

قَالَ رسول الله صلی الله علیه و آله: الدُّعَاءُ سِلاحُ الْمُؤْمِنِ».(۲)

دعا، قضای استواری که راه فراری از آن نیست را برمیگرداند.

«قَالَ أَمِیرُ الْمُؤْمِنِینَ علیه السلام: الدُّعَاءُ یَرُدُّ الْقَضَاءَ الْمُبْرَم».(۳)

دعا، عاقبتِ تقدیر شده و تقدیر نشده را از انسان دفع میکند.

«عَنْ عُمَرَ بْنِ یَزِیدَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا الْحَسَنِ علیه السلام یَقُولُ: إِنَّ الدُّعَاءَ یَرُدُّ مَا قَدْ قُدِّرَ وَمَا لَمْ یُقَدَّرْ».(۴)

دعا، و انواع بلاها را برطرف مینماید.

«کَانَ عَلِیُّ بْنُ الْحُسَیْنِ علیه السلام یَقُولُ: الدُّعَاءُ یَدْفَعُ الْبَلاءَ النَّازِلَ وَمَا لَمْ یَنْزِلْ».(۵)

دعا، مایه شفای هر درد و بیماری و مرضی است.

«قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلامُ: عَلَیْکَ بِالدُّعَاءِ فَإِنَّهُ شِفَاءٌ مِنْ کُلِّ دَاءٍ».(۶)

حضرت علی علیه السلام در بخشی از دعای کمیل میفرماید:

«فَإِنَّکَ قَضَیْتَ عَلَی عِبَادِکَ بِعِبَادَتِکَ، وَأَمَرْتَهُمْ بِدُعَائِکَ، وَضَمِنْتَ لَهُمُ الْإِجابَهَ»

زیرا تو بندگانت را به عبادت و بندگی فرمان دادی، و به دعا و درخواست از حضرتت امر فرمودی، و اجابت دعا را برای آنان

ضمانت نمودی.

شرایط دعا بدون تفسیر و توضیح عبارت است از:

طهارت شرعیه- از

ص: ۱۵

۱- تفسیر منهج الصادقین: ۶/ ۱۰۲.

۲- الکافی: ۲/ ۴۶۸، باب أن الدعاء سلاح المؤمن، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۳۸، باب ۸، حدیث ۸۶۵۴.

۳- الخصال: ۲/ ۶۲۰؛ مستدرک الوسائل: ۵/ ۱۷۵، باب ۶، حدیث ۵۶۰۴.

۴- الکافی: ۲/ ۴۶۹، باب ان الدعاء یرد البلاء، حدیث ۲؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۳۶، باب ۷، حدیث ۸۶۴۷.

۵- الکافی: ۲/ ۴۶۹، باب ان الدعاء یرد البلاء والقضاء، حدیث ۵؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۳۷، باب ۷، حدیث ۸۶۵۰.

۶- الکافی: ۲/ ۴۷۰، باب ان الدعاء یرد البلاء والقضاء، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۴۵، باب ۱۱، حدیث ۸۶۷۷.

قبیل وضو، غسل، تیمم-، پاکی از حق الناس، اخلاص، صحیح خوانـدن متن دعا، حلال بودن کسب، صـله رحم، صدقه قبل از دعـا، مطیع خـدا بودن، اجتنـاب از معصـیت، اصـلاح عمل، دعا در سـحر، دعا در نماز وتر، دعا وقت فجر صادق، دعا در طلوع آفتاب، دعا در چهارشنبه بین ظهر و عصر، صلوات پیش از دعا.(۱)

روایات اهل بیت علیهم السلام شرایط دعا کننده و دعای قابل استجابت را به این صورت بیان میکنند:

اخلاـص در دعا، معرفت به اینکه همه چیز در دست قـدرت حق است، عمل به واجبات، داشـتن قلب پاک، زبان صادق، حلال بودن لقمه، پاک شدن از حق الناس، حضور قلب، رقّت قلب، گفتن «بسم اللّه الرحمان الرحیم» در ابتدای دعا، فرستادن صلوات بر محمـد و آل محمـد، اقرار به گنـاه، تضـرّع و زاری، صورت بر خـاک گـذاردن، خوانـدن دو رکعت نماز، یقین ورزیـدن به اجابت، دیگران را در دعا بر خود مقـدم داشـتن، پرهیز از خواسـتن امور نابجا، دعا در میان جمع، دعا در پنهان و خلوت، همان «یقین ورزیدن به اجابت».(۲)

از امام صادق علیه السلام نقل شده که حضرت فرمود:

«فَإِذَا دَعَوْتَ اللّهَ عَزَّوَجَلَّ فَمَجِّدْهُ»

در کتاب امیر المؤمنین علی علیه السلام آمده که پیش از درخواست چیزی از خدای متعال، ابتدا باید او را ستود.(۳)

امام صادق علیه السلام، تلازم بین دعا و اجابت را در کلامی نورانی چنین یادآور میشود:

«وَاعْلَمْ أَنَّهُ لَوْ لَمْ یَکُنِ اللّهُ أَمَرَنَا بِالـدُّعَاءِ لَکُنَّا إِذاً أَخْلَصْـنَا الـدُّعَاءَ تَفَضَّلْ عَلَیْنَا بِالإِجَابَهِ فَکَیْفَ وَقَدْ ضَـمِنَ ذَالِکَ لِمَنْ أَتَی بِشَـرَائِطِ الدُّعَاء»

بدان به تحقیق، اگر خداوند ما را امر به دعا و ترغیب به دعا نفرموده بود و ما از

۱- الکافی: ۲/ ۴۶۶ در ابواب مختلف؛ محجّه البیضاء: ۲/ ۲۶۸- ۳۴۹.

۲- پیرامون شـرائط اسـتجابت دعا در کتاب شریف مصباح الشریعه: ۱۳۲- ۱۳۴، باب ۶۲، روایاتی ارزشـمند از امام صادق علیه السلام آمده که شرح آن در کتاب عرفان اسلامی: ۶/ ۲۰۶ آمده است.

۳- عدّه الداعی: ۱۶۱؛ بحار الأنوار: ۹۰/ ۳۱۵، باب ۱۷، ذیل حدیث ۲۰.

روی خلوص اعتقاد خود، دعا میکردیم، البتّه او به مقتضای کرم و شفقت خویش، دعای ما را اجابت میکرد.

پس چگونه ممکن است اجابت ننماید در حالی که خود، ضامن شده که اگر کسی دعا را با شرایطش به جا آورد، آن را اجابت نماید!؟(۱)

این از عنایات حضرت حق است که اگر دعا از سوی بنده ای صادر شود و موانع اجابت ایجاد نگشته باشد، اجابت دعا آنی خواهد بود.

«الحمدُ لِلّه» یعنی هرچه حمد و ستایش هست از آنِ خداوند است؛ زیرا هر زیبایی و جمالی که یافت میشود، اثری از آثار جمال او، و هر خیری که در این عالم هست، از آثار فیض اوست.

صلوات و درود بر پیامبر صلی الله علیه و آله و آل او

صلوات بر آن وجود مبارک، امر حضرت حق به تمام مؤمنان است؛ چرا که فرمود:

«إِنَّ اللّهَ وَمَلائِکَتَهُ یُصَلُّونَ عَلَی النَّبِیِّ یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُو صَلُّو عَلَیْهِ وَسَلِّمُو تَسْلیماً» (۲)

همانا خدا و فرشتگانش بر پیامبر درود و رحمت میفرستند. ای اهل ایمان، بر او درود فرستید و آن گونه که شایسته است، تسلیم او باشید.

رسول با کرامت اسلام صلی الله علیه و آله میفرماید:

«الصَّلاهُ عَلَیَّ نُورٌ عَلَی الصِّراطِ» (۳)

درود فرستادن بر من، نور بر روی صراط است.

همچنین از شرائط استجابت دعا، محفوف نمودن دعا بر صلوات است که قبل و بعد از دعا صلوات فرستاده شود؛ چرا که صلوات، دعای مستجاب است و وقتی که درخواستی محفوف به دعای مستجاب شد، به اجابت نزدیکتر است. لذا حضرت امام علی علیه السلام فرمودند:

«کُلُّ دُعاءٍ مَحجُوبٌ حَتّی یُصَلِّی عَلَی النَّبِیِّ صلی الله علیه و آله»

هر

۱- مصباح الشریعه: ۱۳۲، باب ۶۲؛ بحار الأنوار: ۹۰/ ۳۲۲، باب ۱۷، حدیث ۳۶.

۲- احزاب (۳۳): ۵۶.

۳- جامع الأخبار: ۶۰، فصل ۲۸؛ مستدرک الوسائل: ۵/ ۳۳۵، باب ۳۱، حدیث ۶۰۳۱.

دعایی پوشیده [و بی اثر] است تا اینکه بر پیامبر صلی الله علیه و آله صلوات فرستاده شود.

(۱)

روایات اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام، شب جمعه را برای دعا از بهترین و مناسبترین شبها میدانند، و شب جمعه را در ارزش و عظمت همپایه شب قدر به حساب میآورند.

در حدیث معتبر، از حضرت صادق علیه السلام روایت شده:

«إِنَّ الْعَبْدَ لَيَدْعُو فَيُؤَخِّرُ اللّهُ حاجَتَهُ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَهِ».

چه بسا مؤمن برای حاجتی دعا میکند و خدای تعالی قضای حاجتش را به تأخیر می اندازد، تا در روز جمعه حاجتش را روا کند.

(۲)

حضرت امام باقر علیه السلام فرمود:

«إِنَّ اللّهَ تَعَالَى لَيَأْمُرُ مَلَكاً فَيُنَادِى كُلَّ لَيْلَه جُمُعَهٍ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ

أَلا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِى لِآخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِيبَهُ؟

أَلا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِلَيَّ مِنْ ذُنُوبِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَتُوبَ إِلَيْهِ؟

أَلا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ قَدْ قَتَّرْتُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَسْأَلُنِى الزِّيَادَهَ فِى رِزْقِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَزِيدَهُ وَأُوَسِّعَ عَلَيْهِ؟؟

أَلا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ سَقِيمٌ فَيَسْأَلُنِى أَنْ أَشْفِيَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُعَافِيَهُ؟

أَلا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مَغْمُومٌ مَحْبُوسٌ يَسْأَلُنِى أَنْ أُطْلِقَهُ مِنْ حَبْسِهِ وَأُفَرِّجَ عَنْهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُطْلِقَهُ وَأُخَلِّىَ سَبِيلَهُ؟

أَلا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مَظْلُومٌ يَسْأَلُنِى أَنْ آخُذَ لَهُ بِظُلامَتِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَنْتَصِرَ لَهُ وَآخُذَ بِظُلامَتِهِ؟

قَالَ فَلا يَزَالُ يُنَادِى حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ».

خدای تعالی هر شب جمعه به فرشته ای دستور میدهد که از اوّل شب تا آخر شب از جانب ربّ اعلی ندا دهد:

آیا بنده مؤمنی هست که پیش از طلوع فجر مرا برای دنیا و آخرتش بخواند تا من دعای او را مستجاب کنم؟

آیا بنده مؤمنی هست

۱- بحار الأنوار: ۲۷/ ۲۶۰، باب ۱۵، حدیث ۱۵؛ کنز العمال: ۱/ ۴۹۰، حدیث ۲۱۵۳.

۲- الدعوات: ۳۵، حدیث ۸۳؛ بحار الأنوار: ۸۶/ ۲۷۳، باب ۲، حدیث ۱۷.

که پیش از طلوع فجر از گناهش توبه کند تا توبه اش را بپذیرم؟

آیا بنده مؤمنی هست که من روزی او را تنگ کرده باشم و از من بخواهد پیش از طلوع فجر روزی او را زیاد کنم، پس روزی او را وسعت دهم؟

آیا بنده مؤمن بیماری هست که از من درخواست کند پیش از طلوع فجر او را شفا دهم، تا او را عافیت بخشم؟

آیا بنـده مؤمن غمگینِ محبوسـی هست که پیش از طلوع فجر از من بخواهد او را از زندان رهایی بخشم و اندوهش را برطرف کنم، تا دعایش را به اجابت برسانم؟

آیا بنده مؤمن مظلومی هست که پیش از طلوع فجر از من بخواهد برای دفع ستم ستمکار به خاطر او از ستمکار انتقام گیرم و حقش را به او برگردانم؟

فرشته حق پیوسته تا طلوع فجر این ندا را سر میدهد.(۱)

آثار بسم الله الرحمن الرحیم

مرحوم «طبرسی» در کتاب پرقیمت مکارم الأخلاق از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام روایت میکند:

«مَا مِن أَحَدٍ دَهَّمَهُ أَمرٌ يَغُمُّهُ أَو كَرَبَتهُ كُربَهٌ فَرَفَعَ رَأْسَهُ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قالَ ثَلاثَ مَرّاتٍ: «بِسمِ اللّهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ» إِلّا فَرَّجَ اللّهُ كُربَتَهُ وَأَذْهَبَ غَمَّهُ إِن شآءَ اللّهُ تَعالى»

هیچکس نیست که او را غم و غصه ای فرا گیرد و سر خود را به آسـمان بردارد و سه بـار «بسم اللّه الرحمـان الرحیم» بگویـد، مگر اینکه خدا ناراحتیش را برطرف کند و غصه اش را از میان بردارد، اگر خدای متعال بخواهد.(۲)

در حدیث بسیار مهمی آمده: «لا يُرَدُّ دُعاءٌ أَوَّلُهُ «بِسمِ اللّهِ الرَّحمَنِ الرَّحِيمِ»

دعایی که ابتدایش «بسم اللّه الرحمن الرحیم» باشد مردود درگاه حق نمیشود.(۳)

از امام رضا

۱- بحار الأنوار: ۸۶/ ۲۸۲، باب ۲، حدیث ۲۷؛ مستدرک الوسائل: ۶/ ۷۳، باب ۳۶، حدیث ۶۴۶۹.

۲- مکارم الأخلاق: ۳۴۶؛ بحار الأنوار: ۱۵۹/۹۲، باب ۱۵.

۳- الدعوات: ۵۲، حدیث ۱۳۱؛ مستدرک الوسائل: ۳۰۴/۵، باب ۱۶، حدیث ۵۹۲۹.

علیه السلام روایت شده:

«بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ أَقْرَبُ إِلَی اسْمِ اللّهِ الأَعْظَمِ مِنْ نَاظِرِ الْعَیْنِ إِلَی بَیَاضِهَا»

«بسم اللّه الرحمن الرحیم» به اسم اعظم حق از سیاهی چشم به سپیدی آن نزدیکتر است.(۱)

«مَنْ قَرَأَ بِسْمِ اللّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیمِ کَتَبَ اللّهُ لَهُ بِکُلِّ حَرْفٍ أَرْبَعَهَ آلافِ حَسَنَهٍ وَمَحَا عَنْهُ أَرْبَعَهَ آلافِ سَیِّئَهٍ وَرَفَعَ لَهُ أَرْبَعَهَ آلافِ دَرَجهٍ».(۲)

هرکس «بسم اللّه الرحمن الرحیم» را بخواند، حق تعالی به عدد هر حرفی از آن چهار هزار حسنه برای او نویسد و چهار هزار سیّئه از او محو کند و چهار هزار درجه او را بالا برد.

در روایتی آمده: چون روز قیامت شود، عبد را به جایگاه حساب درآورند، و نامه عمل او را که پر از گناه است به دست چپ وی دهند.

عبد، وقتِ گرفتن نامه به خاطر عادتی که در دنیا داشته «بسم اللّه» به زبان جاری کند و با خواندن خدا به رحمت، نامه را بستاند، چون بگشاید آن را سپید یابد و هیچ نوشته ای در آن نامه به نظرش نیاید،

گوید: اینجا نوشته ای نیست تا بخوانم. فرشتگان گویند: در این نامه سیّئات و خطاهایت نوشته بود، ولی به برکت این آیه زایل شد و حضرت عزّت از تو گذشت.(۳)

خواندن خداوند با اسمای حسنی و حقیقت توسل

در یکی از دعاهای وارده از معصوم بنام دعای سمات میخوانیم:

«اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ بِاسْمِکَ الْعَظِیمِ الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ الأَعْظَمِ الأَعَزِّ الأَجَلِّ الأَکْرَمِ الَّذِی إِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلَی مَغَالِقِ أَبْوَابِ السَّمَاءِ لِلْفَتْحِ بِالرَّحْمَهِ انْفَتَحَتْ وَإِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلَی مَضَایِقِ أَبْوَابِ الأَرْضِ لِلْفَرَجِ انْفَرَجَتْ وَإِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلَی الْعُسْرِ لِلْیُسْرِ تَیَسَّرَتْ وَإِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلَی الأَمْوَاتِ لِلْنُّشُورِ انْتَشَرَتْ وَإِذَا دُعِیتَ بِهِ عَلَی کَشْفِ الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ انْکَشَفَت...»

۱- التهذیب: ۲/ ۲۸۹، باب ۱۵، حدیث ۱۵؛ جامع الأخبار: ۴۲؛ عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۵، باب ۳۰، حدیث ۱۱؛ الأمالی «صدوق»: ۶۴۱؛ بحار الأنوار: ۹۰/ ۲۳۲، باب ۱۱، حدیث ۴.

۲- جامع الأخبار: ۴۲، فصل ۲۲؛ مستدرک الوسائل: ۴/ ۳۸۸، باب ۴۵، حدیث ۴۹۹۵؛ بحار الأنوار: ۸۹/ ۲۵۸، باب ۲۹، ذیل حدیث ۵۳.

۳- تفسیر فاتحه الکتاب: ۷۴.

دایا، از تو درخواست میکنم به نام بزرگت، نام بزرگتر، عزیزتر، برجسته تر، با ارزشتر، که چون برای باز شدن درهای بسته آسمان به آن خوانده شوی، به رحمت باز شود، و هنگامی که برای گشایش تنگناهای درهای زمین خوانده شوی، گشوده گردد، و زمانی که برای آسانی سختیها خوانده شوی، آسان شود، و وقتی برای زنده شدن مردگان به آن خوانده شوی، زنده شوند، و چون برای برطرف شدن تنگدستی و پریشانحالی خوانده شود، برطرف گردد...(۱)

از تعبیراتی که در آیات قرآن آمده برمیآید که همه نامهای خدای متعال از اسماء الحسنی اوست:

هرگاه دعا کننده، محبوبش را با اسماء و نامهایی که ویژه اوست صدا بزند، محبوب که حبیب را خواننده نام زیبایش میبیند، پاسخ او را میدهد.

«وَلِلَّهِ الأَسْمَاءُ الْحُسْنَى فَادْعُوهُ بِهَا»(۲)

و برای خدا نیکوترین نامها است، پس او را با همان نامها بخوانید.

نامهای خداوند همانند ذات مقدس حضرتش، دارای احترام و قداست است، چنانکه خداوند میفرماید:

«تَبَارَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِی الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ» (۳)

سودمند و با برکت است نام پروردگار باشکوه و ارجمندت.

در قرآن کریم در سه آیه دیگر بحث از «اسماء الحسنی» شده است:

«قُلِ ادْعُو اللّهَ أَوِ ادْعُو الرَّحْمَانَ أَيّاً مَا تَدْعُو فَلَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنَى ». (۴)

بگو: خدا را بخوانید یا رحمان را بخوانید، هر کدام را بخوانید [ذات یکتای او را خوانده اید] نیکوترین نامها [که این دو نام هم از آنهاست] فقط ویژه اوست.

«اللّهُ لَا إِلاهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنَى ».(۵)

خدای یکتاست که جز او هیچ معبودی نیست، نیکوترین نامها فقط ویژه اوست.

«هُوَ اللّهُ الْخَالِقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْماءُ الْحُسْنَى ». (۶)

اوست خدا، آفریننده، نوساز، صورتگر، همه نامهای نیکو

۱- مصباح المتهجد: ۴۱۶؛ المصباح «کفعمی»: ۴۲۳؛ البلد الأمین: ۸۹؛ بحار الأنوار: ۸۷/ ۹۶.

۲- اعراف (۷): ۱۸۰.

۳- الرحمن (۵۵): ۷۸.

۴- اسراء (۱۷): ۱۱۰.

۵- طه (۲۰): ۸.

۶- حشر (۵۹): ۲۴.

ویژه اوست.

«شیخ صدوق رحمه الله» از امام علی ابن موسی الرضا علیهما السلام از پدرانش از امیر المؤمنین علی علیه السلام نقل نموده که میفرماید:

«قالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: لِلّهِ عَزَّوَجَلَّ تِسْعَهٌ وَتِسْعونَ اسماً مَنْ دَعَا اللّهُ بِهِما استَجابَ لَهُ وَمَنْ أَحصاهَا دَخَلَ الجَنَّهَ»

خداوند نود و نُه اسم دارد که هرکس خدا را به آن بخواند، دعای او را مستجاب میکند، و هرکس آنها را شمارش کند داخل بهشت میشود.

(۱)

روایات میگوید: مراد از اسماء و نامهای حق، امام معصوم و ولی کامل و انسان جامع است، که مظهر تام و جلوه گاه معانی و مفاهیم اسماء است، هر دردمندی که دچار درد فکری و روحی و بیماری باطنی است اگر به او متوسل شود درمان میشود.

آری، با توسل به انسان کامل همه درهای هدایت و سعادت به روی انسان باز میشود.

انسان کامل، اسم اعظم حق است که نسبت به آسیای هستی به منزله قطب و محور است، چنانکه درباره ولی اللّه الاعظم حضرت حُجّه ابن الحسن علیه السلام وارد شده:

وَهُوَ الَّذِی بِبَقائِهِ بَقِیَتِ الدُّنیا، وَبِیُمْنِهِ رُزِقَ الوَرَی وَبِوُجُودِهِ ثَبَتَتِ الأَرضُ وَالسَّمَاءُ مفاتیح الجنان: دعای عدیله.

بقای دنیا به بقای اوست، و انسانها به برکت او به رزق و روزی میرسند، و ثبات زمین و آسمانها، متکی به وجود اوست.

آنان بین خدا و مردم تا روز قیامت واسطه فیض هستند.

رحمت، هدایت، لطف، رأفت، کرم و غفران حق به واسطه آن بزرگواران به مردم میرسد و اعمال خوبشان در سایه معرفت و ولایت آنان به قبولی میرسد.

حکیم بزرگوار «فیض کاشانی» در تفسیر با ارزش الصافی از

۱- التوحید: ۱۹۵، حدیث ۹.

حضرت صادق علیه السلام روایت کرده:

نَحْنُ وَاللّهِ الأَسْماءُ الحُسْنَى الَّذِی لا یَقبَلُ اللّهُ مِنَ العِبادِ عَمَلاً إلّا بِمَعْرِفَتِنا.

به خدا قسم اسمای حسنای خدا ما هستیم که خدا عملی از بندگان را جز به معرفت و شناخت آنان نسبت به ما و ولایت و جایگاه ما قبول نمیکند.(۱)

برای شناخت حقیقت توسل و یافتن بهترین راه تقرب به حضرت حق، و درک فرمان رب العالمین که:

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُو اِتَّقُو اللّهَ وَابْتَغُو إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ» (۲)

ای اهل ایمان، از خدا پروا کنید و دستآویز و وسیله ای [از ایمان، عمل صالح و آبروی مقرّبان درگاهش] برای تقرّب به سوی او بجویید.

توجّه به این دو روایت ضروری است:

امام رضا علیه السلام میفرماید: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

«الْأَئِمَّهُ مِنْ وُلْدِ الْحُسَیْنِ علیه السلام مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطاعَ اللّهَ وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَی اللّهَ عَزَّ وَجَلَّ هُمُ الْعُرْوَهُ الْوُثْقی وَهُمُ الْوَسِیلَهُ إِلَی اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ»

ائمه علیهم السلام از فرزندان حسین علیه السلام میباشند، هرکس آنان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است. و هرکس آنان را نافرمانی کند، نافرمانی خدا را کرده است. آنان حلقه و دستگیره محکم و وسیله تقرب درگاه الهی اند.(۳)

امیر المؤمنین علی علیه السلام نیز در تفسیر آیه شریفه «وَ ابْتَغُو إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ» فرمود:

«أَنا وَسیلَتُهُ» من، وسیله او هستم.(۴)

گوشه هایی از جود و کرم، احسان و رحمت و رأفت الهی در ادعیه معصومین

جملاتی از دعای بی نظیر «عرفه» حضرت سید الشهداء (علیه السلام)

«همه ستایش و سپاس ویژه توست، ای که لغزشم را نادیده گرفت و اندوهم را زدود و دعایم را مستجاب کرد و عیبم را پوشانید و گناهم را آمرزید و مرا به خواسته ام رسانید و بر

۱- الکافی: ۱/ ۱۴۳؛ تفسیر العیاشی: ۲/ ۴۲؛ بحار الأنوار: ۲۵/ ۵، باب ۱، حدیث ۷.

۲- مائده (۵): ۳۵.

۳- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۵۸، باب ۳۱، حدیث ۲۱۷؛ نور الثقلین: ۱/ ۶۲۶.

۴- المناقب: ۳/ ۷۵؛ بحار الأنوار: ۳۰/ ۶۵، باب ۱۸، حدیث ۱.

دشمنم پیروز گردانید!

اگر نعمتها و عطاها و بخششهای با ارزشت را برشمارم، هرگز نمیتوانم به شماره آورم.

ای سرور و آقای من، تویی که عطا کردی، تویی که نعمت دادی، تویی که احسان نمودی، تویی که زیبایی بخشیدی، تویی که فزونی دادی، تویی که کامل نمودی، تویی که روزی عنایت کردی، تویی که توفیق دادی، تویی که عطا فرمودی، تویی که بینیاز نمودی، تویی که ثروت بخشیدی، تویی که پناه دادی، تویی که کفایت کردی، تویی که راهنمایی نمودی، تویی که محافظت فرمودی، تویی که پرده پوشیدی، تویی که آمرزیدی، تویی که نادیده گرفتی، تویی که قدرت دادی، تویی که عزّت بخشیدی، تویی که یاری دادی، تویی که مساعدت فرمودی، تویی که تأیید نمودی، تویی که پیروزی عطا کردی، تویی که درمان نمودی، تویی که سلامت همه جانبه عنایت فرمودی، تویی که گرامی داشتی.»(۱)

مفاهیم عرشی جملاتی از دعای «ابوحمزه ثمالی» که مناجات شبهای مبارک حضرت زین العابدین (علیه السلام) است:

«آقای من، منم کودکی و کوچکی که او را پروریدی، منم نادانی که دانایش نمودی، منم گمراهی که هدایتش فرمودی، منم افتاده ای که بلندی و رفعتش دادی، منم ترسانی که امانش بخشیدی و گرسنه ای که سیرش نمودی و تشنه ای که سیرابش کردی و برهنه ای که لباسش پوشاندی و تهیدستی که توانگرش کردی و ناتوانی که نیرومندش ساختی و خواری که عزیزش نمودی و بیماری که شفایش دادی و درخواست کننده ای که عطایش بخشیدی و گناهکاری که گناهش را پوشاندی و خطاکاری که نادیده اش گرفتی و اندکی که بسیارش فرمودی و مستضعفی که نصرتش دادی و رانده شده ای که

۱- البلد الأمین: ۲۵۵، أعمال ذی الحجه؛ مفاتیح الجنان: دعای عرفه.

مأوایش بخشیدی.»(۱)

درباره قرب به خداوند، شکر او، ذکر و نماز

امام علی علیه السلام میفرماید:

«لَوْ لَمْ یَتَوَعَّدِ اللّهُ عَلَی مَعْصِیَتِهِ لَکَانَ یَجِبُ أَلّا یُعْصی شُکْراً لِنِعَمِهِ»

اگر خداوند از نافرمانی خود بیم نمیداد نیز واجب بود به شکرانه نعمتهایش نافرمانی نشود.(۲)

بندگی و عبادت حق، سبب رشد و کمال و خیر و سعادت و حیات طیبه و به دست آوردن بهشت است.

کلام نورانی حضرت امام صادق علیه السلام بیان می کند که:

«وَ اعْلَمْ أَنَّهُ غَیْرُ مُحْتَاجٍ إِلی خِدْمَتِکَ وَهُوَ غَنِیٌّ عَنْ عِبَادَتِکَ وَدُعَائِکَ وَإِنَّمَا دَعَاکَ بِفَضْلِهِ لِیَرْحَمَکَ وَیُبْعِدَکَ مِنْ عُقُوبَتِهِ وَیَنْشُرَ عَلَیْکَ مِنْ بَرَکَاتِ حَنَانِیَّتِهِ وَیَهْدِیَکَ إِلَی سَبِیلِ رِضَاهُ وَیَفْتَحَ عَلَیْکَ بَابَ مَغْفِرَتِهِ»

بدان که او محتاج خدمت تو نیست و بی نیاز از عبادت و دعای توست، و این که تو را خوانده است از روی فضل و کرم اوست، تا در حق تو رحمتی نماید و از عقوبت خویش دورت نماید و از برکات رحمت بسیارش بر تو نازل گرداند، تو را به راه (جلب) رضایتش رهنمون گردد و در مغفرت را به رویت بگشاید.(۳)

«رُوِیَ أَنَّ اللّهَ تَعَالَی یَقُولُ فِی بَعْضِ کُتُبِهِ: یَا ابْنَ آدَمَ، أَنَا حَیٌّ لا أَمُوتُ أَطِعْنِی فِیمَا أَمَرْتُکَ حَتَّی أَجْعَلَکَ حَیّاً لا تَمُوتُ. یَا ابْنَ آدَمَ أَنَا أَقُولُ لِلشَّیْ ءِ: کُنْ فَیَکُونُ، أَطِعْنِی فِیمَا أَمَرْتُکَ أَجْعَلْکَ تَقُولُ لِلشَّیْ ءِ: کُنْ فَیَکُونُ».

روایت شده که خدای متعال در برخی از کتابهای آسمانی اش فرموده:

ای فرزند آدم، من زنده ای هستم که نمیمیرم، در آنچه تو را به آن فرمان داده ام مرا اطاعت کن، تا تو را زنده ای که نمیمیرد قرار دهم.

ای فرزند آدم، من به چیزی میگویم: «باش» بی درنگ موجود میشود، مرا بندگی

۱- اقبال الأعمال: ۷۱؛ مفاتیح الجنان: دعای ابو حمزه ثمالی.

۲- نهج البلاغه: حکمت ۲۹۰؛ بحار الأنوار: ۷۳/ ۳۶۴.

۳- مصباح الشریعه: ۸۷، باب ۳۹؛ بحار الأنوار: ۸۱/ ۲۳۰، باب ۱۶، حدیث ۳.

کن تا تو را اینگونه قرار دهم که به چیزی بگویی: «باش» پس بی درنگ موجود شود.(۱)

امام علی (علیه السلام) در بعضی از مناجات خود میفرمود:

«إِلهِی کَفَی بِی عِزّاً أَنْ أَکُونَ لَکَ عَبْداً وَکَفَی بِی فَخْراً أَنْ تَکُونَ لِی رَبّاً أَنْتَ کَمَا أُحِبُّ فَاجْعَلْنِی کَمَا تُحِبُّ»

خدایا، برایم همین عزّت بس، که عبدی برای تو باشم، و برایم این افتخار بس، که تو پروردگار من باشی. تو آنگونه هستی که من میپسندم، پس مرا آنگونه کن که خود میپسندی.(۲)

در روایات، حقایقی به عنوان برترین عبادت شمرده شده است:

معرفت به خدا و فروتنی در برابر او، تداوم اندیشه در خدا و قدرتش، گفتن «لا إِلهَ إِلّا اللّه» و «لا حَولَ ولا قُوَّهَ إِلّا باللهِ»، اخلاص ورزیدن، عفت نفس، زهد، تعقّل، ادای حق مؤمن، سکوت، حج، روزه، دعا، چشمپوشی از محرمات، پنهان نگاه داشتن بندگی، فروتنی و خضوع، ادای واجبات، طلب حلال، نرمی در سخن، محبّت و ولایت اهل بیت علیهم السلام.

إِنَّ اللّهَ یَقولُ: لا یَزَالُ عَبدٌ یَتَقَرَّبُ إِلَیَّ بِالنَّوافِلِ حَتَّی أُحِبَّهُ، فَأَکونُ أَنا سَمْعَهُ الَّذِی یَسْمَعُ بِهِ، وَبَصَرَهُ الَّذِی یُبْصِرُ بِهِ، وَلِسانَهُ الَّذِی یَنْطِقُ بِهِ، وَقَلْبَهُ الَّذِی یَعْقِلُ بِهِ، فَإِذَا دَعَانِی أَجَبْتُهُ، وَإِذَا سَأَلَنِی أَعْطَیْتُهُ.

خدا میفرماید: همواره سالک به سبب نافله ها به من تقرب میجوید تا آنجا که من به او عشق میورزم، در این حال است که من گوش او میشوم که با آن گوش میشنود، و چشم او میشوم که با آن چشم میبیند، و زبان او میشوم که با آن زبان سخن میگوید، و قلب او میشوم که با آن قلب تعقّل میکند، پس هنگامی که مرا بخواند او را

۱- مستدرک الوسائل: ۱۱/ ۲۵۸، باب وجوب طاعه اللّه، حدیث ۱۲۹۲۸.

۲- مجموعه ورّام: ۲/ ۱۱۱؛ بحار الأنوار: ۷۴/ ۴۰۲، باب ۱۵، حدیث ۲۳.

پاسخ میگویم، و زمانی که از من بخواهد به او عطا میکنم.(۱)

نماز، ذکر خداست، خواندن قرآن ذکر خداست، دعاهایی که از اهل بیت علیهم السلام رسیده و در زمانها و مکانهای خاص خوانده میشود ذکر خداست، سخن گفتن هماهنگ با آیات قرآن ذکر خداست، و از همه ذکرها برتر و بالاتر و پرثوابتر، به کار بردن زبان برای هدایت گمراهان به سوی دین خداست.

«وَأَقِمِ الصَّلاهَ لِذِکْری»(۲)

و نماز را برای یاد من برپا دار.

و در آیه دیگر میفرماید:

«أَلَا بِذِکْرِ اللّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ»(۳)

آگاه باشید، دلها فقط به یاد خدا آرام میگیرد.

ذکری که مایه آرامش دلهاست، نماز است و ثمره اش اطمینان قلب است.

حال اگر کسی نماز را به پاداشت و در اقامه آن کوشید، به اطمینان قلبی دست می یابد که ثمره آن چنین است:

«یَا أَیَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّهُ* ارْجِعِی إِلَی رَبِّکِ رَاضِیَهً مَرْضِیَّهً* فَادْخُلِی فِی عِبَادِی* وَادْخُلِی جَنَّتِی»

به سوی پروردگارت در حالی که از او خشنودی و او هم از تو خشنود است، بازگرد.

پس در میان بندگانم درآی و در بهشتم وارد شو.(۴)

از مهمترین آثار و برکات ذکر، این است که اگر کسی به مقام ذاکران حقیقی رسید خدای متعال نیز ذاکر او میشود.

«فَاذْکُرُونی أَذْکُرْکُمْ وَاشْکُرُو لی وَلا تَکْفُرُونِ» (۵)

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و مرا سپاس گزارید و کفران نعمتم نکنید.

مرحوم «علامه مجلسی رحمه الله» ذیل آیه فوق، روایت بسیار زیبایی را از وجود مبارک حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله نقل کرده است که:

«إِنَّ رَسُولَ اللّهِ صلی الله علیه و آله خَرَجَ عَلَی أَصْحَابِهِ فَقَالَ: ارْتَعُو فِی رِیَاضِ الْجَنَّهِ، قَالُو: یَا رَسُولَ اللّاهِ!

۱- کنز العمال: ۱۱۵۵؛ میزان الحکمه: ۳/ ۲۵۴۰.

۲- طه (۲۰): ۱۴.

۳- رعد (۱۳): ۲۸.

۴- فجر (۸۹): ۲۷- ۳۰.

۵- بقره (۲): ۱۵۲.

وَمَا رِيَاضُ الْجَنَّهِ؟

قَالَ: مَجَالِسُ الذِّكْرِ اغْدُو وَرَوِّحُو وَاذْكُرُو وَمَنْ كَانَ يُحِبُّ أَنْ يَعْلَمَ مَنْزِلَتَهُ عِنْدَ اللّهِ فَلْيَنْظُرْ كَيْفَ مَنْزِلَهُ اللّهِ عِنْدَهُ فَإِنَّ اللّهَ تَعَالَى يُنْزِلُ الْعَبْدَ حَيْثُ أَنْزَلَ الْعَبْدُ اللّهَ مِنْ نَفْسِهِ وَاعْلَمُو أَنَّ خَيْرَ أَعْمَالِكُمْ عِنْدَ مَلِيكِكُمْ وَأَزْكَاهَا وَأَرْفَعَهَا فِي دَرَجَاتِكُمْ وَخَيْرَ مَا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ ذِكْرُ اللّهِ تَعَالَى

فَإِنَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَنْ نَفْسِهِ فَقَالَ: أَنَا جَلِيسُ مَنْ ذَكَرَنِي.

وَقَالَ سُبْحَانَهُ: «فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ» يَعْنِي اذْكُرُونِي بِالطَّاعَهِ وَالْعِبَادَهِ أَذْكُرْكُمْ بِالنِّعَمِ وَالإِحْسَانِ وَالرَّحْمَهِ وَالرِّضْوَانِ»(۱)

حضرت رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد اصحابش آمد و فرمود: در باغهای بهشت بگردید و بهره ببرید. پرسیدند: ای رسول خدا، باغهای بهشتی کدام است؟

فرمود: مجالس ذکر، باغهای بهشتی هستند. در صبح و شام ذکر خدای نمایید، هر کس دوست دارد که جایگاه خود را نزد خدا بداند، نگاه کند ببیند خدای تعالی چه جایگاهی نزد او دارد؛ زیرا خدای تعالی بنده را در جایگاهی مینشاند که بنده، خدای تعالی را در آن جایگاه نشانده است.

و بدانید که بهترین و پاکترین اعمال شما نزد صاحب اختیارتان، و بالا برنده ترین اعمال به درجات بهشتی، و بهترین چیزی که خورشید بر آن طلوع کرده است، ذکر خدای تعالی است؛

زیرا خدای تعالی از خود خبر داده است و فرموده: من همنشین کسانی هستم که مرا یاد کنند.

و فرمود: «مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم» به این معنی: مرا به طاعت و عبادت یاد کنید تا شما را به نعمت دادن و احسان و رحمت و رضایت یاد کنم.

عارف بزرگوار، فیلسوف عالی مقدار، عالم پرهیزکار، «ملا محسن فیض کاشانی رحمه الله» در کتاب بسیار مهم وافی

۱– عدّه الداعی: ۲۵۳، باب ۵، حدیث ۱۷؛ بحار الأنوار: ۹۰/ ۱۶۳، باب ۱، ذیل حدیث ۴۳.

در باب تعقیبات نماز از معصوم علیه السلام روایت میکند:

«اگر شخص نمازگزار پس از ادای نماز واجب، سر به سجده شکر گذارد و نعمتهایی که خدای مهربان به او عطا کرده، یک به یک به یاد آورد و شکر کند از سوی حضرت حق به فرشتگان خطاب شود: ای فرشتگان، بنده ام نماز واجبش را ادا کرد و به شکرگذاری من مشغول شد، با او چه معامله ای کنم؟

فرشتگان میگویند: حوائجش را روا کن. خطاب رسد: روا کردم، دیگر چه کنم؟ گویند: به او نجات در آخرت را عطا کن. خطاب رسد: عطا کردم، دیگر چه کنم؟ گویند: وسعت رزق به او عنایت فرما. خطاب رسد: عنایت کردم، دیگر چه کنم؟ گویند: فرزندان شایسته نصیب او کن. خطاب رسد: نصیب کردم.

وقتی نمازگزار در سجده، شکرگذاری میکند خدا خطاب میفرماید و فرشتگان دعا میکنند تا جایی که فرشتگان میگویند: پروردگارا، ما آنچه از امور خیر بود از پیشگاهت برای او خواستیم و تو عنایت فرمودی، دیگر چیزی نمیدانیم. خطاب رسد: شما نمیدانید من میدانم، او شکرم را به جا آورد، من هم از او سپاسگزاری میکنم و سپاس من این است که درب نعمت را به رویش باز میکنم».(۱)

إِذَا قُمتَ إِلی الصَّلاهِ وَتَوَجَّهتَ وَقَرأْتَ أُمَّ الکِتابِ وَما تَیَسَّرَ مِنَ السُّوَرِ ثُمَّ رَکَعتَ فَأَتمَمتَ رُکُوعَها وَسُجودَها وَتَشَهَّدتَ وَسَلَّمتَ، غُفِرَ لَکَ کُلُّ ذَنْبٍ فیمَا بَینَکَ وَبَینَ الصَّلاهِ الَّتی قَدَّمتَها إِلی الصَّلاهِ المُؤَخَّرَه

هنگامی که به نماز ایستادی و به سوی قبله رو کردی و فاتحه الکتاب و هر آنچه از سوره های قرآن که میسر بود خواندی، سپس به رکوع رفتی و رکوع و سجود را

۱- مضمون این حدیث در من لا یحضره الفقیه: ۱/ ۳۳۱؛ التهذیب: ۲/ ۱۱۰ نقل شده است.

به اتمام رساندی و تشهد خواندی و سلام دادی، همه گناهان بین تو و بین نمازی که به جا آوردی تا نماز آینده، مورد آمرزش قرار میگیرد.(۱)

امیر المؤمنین علیه السلام درباره نماز در روایاتی فرموده است:

الصَّلاةُ تَستَنْزِلُ الرَّحْمَهَ. نماز رحمت را نازل میکند.(۲)

چگونه مشمول رحمت حق شویم

در روایت با ارزشی از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است:

الرَّاحِمُونَ یَرْحَمُهُمُ الرَّحمَنُ. إِرْحَمُو مَن فِی الأَرْضِ یَرْحَمْکُمْ مَنْ فِی السَّمآءِ.

خدای رحمان به رحمت کنندگان رحم میکند. به هرکس در زمین است رحم کنید تا خدا به شما رحم کند.(۳)

صاحب کتاب انیس اللیل از کتاب زینت المجالس نقل میکند که در حدیث آمده:

«وقتی موسی علیه السلام در مقام راز و نیاز به پروردگار عرضه داشت: به کدام خصلت از خصایل، به رضایت و خوشنودی تو اختصاص یافتم؟ خطاب رسید: وقتی که گوسفندان شعیب را میچراندی و به کار چوپانی اشتغال داشتی، در یک روز تابستانی که هوا حرارت زیادی داشت، بزغاله ای از گله گریخت، تو دنبال آن روان شدی و مسافت زیادی رفتی و از زیادی حرارت و بسیاری حرکت به رنج و زحمت افتادی، چون به آن حیوان رسیدی او را در کنار گرفتی و گفتی مرا و خودت را به مشقّت انداختی، سپس او را به دوش گرفتی و به گله بازگرداندی،

پس به خاطر مهر و محبتی که به او ورزیدی تاج اصطفا بر سرت نهادم و کمربند کرامت بر کمرت بستم و تو را به مقام رسالت و نبوت برگزیدم».(۴)

قالَ رَجُلٌ لِلنَّبِیِّ صلی الله علیه و آله: أُحِبُّ أَنْ یَرْحَمَنِی رَبِّی. قالَ: إِرحَم نَفْسَکَ وَارْحَمْ خَلقَ اللّهِ یَرْحَمْکَ اللّهُ.

مردی به پیامبر

۱- الأمالی «صدوق»: ۵۴۹، حدیث ۲۲؛ میزان الحکمه: ۷/ ۳۰۹۶، باب الصلاه، حدیث ۱۰۵۵۶.

۲- غرر الحکم: ۱۷۵، حدیث ۳۳۴۱؛ میزان الحکمه: ۷/ ۳۰۹۲، باب الصلاه، حدیث ۱۰۵۳۲.

۳- عوالی اللآلی: ۱/ ۳۶۱؛ مستدرک الوسائل: ۹/ ۵۵، باب ۱۰۷، حدیث ۱۰۱۸۷.

۴- انیس اللیل: ۱۶۶.

گفت: دوست دارم پروردگارم به من رحم کند، فرمود: به خودت و به آفریده ها رحم کن خدا به تو رحم میکند.(۱)

و آن حضرت فرمود:

تَعَرَّضُو لِرَحْمَهِ اللّهِ بِما أَمَرَکُم بِهِ مِنْ طاعَتِهِ.

خود را به سبب طاعتی که خدا شما را به آن امر کرده است در معرض رحمت خدا قرار دهید.(۲)

امیر المؤمنین علیه السلام فرمود:

أَبْلَغُ مَا تُسْتَدَرُّ بِهِ الرَّحْمَهُ أَنْ تُضْمِرَ بِجَمیعِ النّاسِ الرَّحْمَهَ.

رساترین چیزی که به سبب آن رحمت فراوان و زیاد میشود این است که درباره همه مردم قصد رحمت داشته باشی.(۳)

و نیز آن حضرت فرمود: بِالْعَفْوِ تَنْزِلُ الرَّحْمَهُ.

با گذشت از مردم رحمت نازل میشود.(۴)

و نیز فرمود: رَحْمَهُ الضُّعَفاءِ تَسْتَنْزِلُ الرَّحْمَهَ.

مهربانی و رحمت نسبت به ناتوانان رحمت خدا را بر رحم کنندگان نازل میکند.(۵)

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّ العَبْدَ لَیُؤمَرُ بِهِ إِلَی النّارِ یَومَ القِیامَهِ فَیُسحَبُ فَیَقُولُ المُؤمِنونَ وَالمُؤمِنَاتُ:

یَا رَبِّ هاذَا الَّذِی کَانَ یَدْعُو لَنَا فَشَفِّعْنَا فیهِ. فَیُشَفِّعُهُمُ اللّهُ، فَیَنْجُو.

همانـا روز قیـامت فرمـان میرسـد که بنـده ای را به سوی آتش ببرنـد، چون او را به سوی دوزخ میکشـند، مردان و زنـان مؤمن میگویند: پروردگارا، این کسـی است که همواره برای ما دعا میکرد، شـفاعت ما را برای نجاتش بپذیر، پس خدا شـفاعتشان را درباره او میپذیرد و او نجات می یابد.(۶)

امام صادق علیه السلام فرمود:

مَن قَضَی لِأَخیهِ المُؤمِنِ حَاجهً قَضَی اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ یَومَ القِیامَهِ مِائَهَ أَلفِ حاجَهٍ مِن ذلکَ أَوَّلُها الجَنَّهُ.

کسـی که یک حاجت از برادر مؤمنش روا کنـد، خـدای عز و جل روز قیامت صد هزار حاجت از این نوع حاجت برای او روا کند که نخستینش بهشت است.(۷)

«عَنْ زَیْدٍ الشَّحّامِ قَالَ:

ص: ۳۱

۱- کنز العمال: ۴۴۱۵۴؛ میزان الحکمه: ۴/ ۲۰۰۴، باب الرحمه، حدیث ۷۰۰۴.

۲- مجموعه ورّام: ۲/ ۱۱۹؛ تفسیر معین: ۵۸۰.

۳- غرر الحکم: ۴۵۰، حدیث ۱۰۳۴۴؛ تفسیر معین: ۵۸۰.

۴- غرر الحکم: ۲۴۶، حدیث ۵۰۵۳؛ تفسیر معین: ۵۸۰.

۵- غرر الحکم: ۴۴۹، حدیث ۱۰۳۳۳؛ تفسیر معین: ۵۸۰.

۶- الکافی: ۲/ ۵۰۷، باب الدعاء للاخوان، حدیث ۵؛ روضه الواعظین: ۲/ ۳۲۷.

۷- الکافی: ۲/ ۱۹۲، باب قضاء حاجه المؤمن، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه: ۱۶/ ۳۵۷، باب ۲۵، حدیث ۲۱۷۵۳.

سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللّهِ عليه السلام يَقُولُ: مَنْ أَغَاثَ أَخَاهُ الْمُؤْمِنَ اللَّهْفَانَ اللَّهْثَانَ عِنْدَ جَهْدِهِ فَنَفَّسَ كُرْبَتَهُ وَأَعَانَهُ عَلَى نَجَاحِ حَاجَتِهِ كَتَبَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ بِذالِكَ ثِنْتَيْنِ وَسَبْعِينَ رَحْمَةً مِنَ اللّهِ يُعَجِّلُ لَهُ مِنْهَا وَاحِدَةً يُصْلِحُ بِهَا أَمْرَ مَعِيشَتِهِ وَيَدَّخِرُ لَهُ إِحْدَى وَسَبْعِينَ رَحْمَةً لِأَفْزَاعِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَأَهْوَالِهِ».(۱)

همچنین آن حضرت فرمود:

هرکس بـه فریـاد برادر مؤمن غصـه دار و تشـنه اش بـه هنگـام سـختی و رنجش برسـد، غصه اش را برطرف کنـد و او را برای رسیدن به حاجتش یاری دهـد، خدا از جانب خود هفتاد و دو رحمت برایش بنویسد، که یکی از آن هفتاد و دو رحمت را در دنیا برای اصلاح امور زندگیش پیش اندازد، و هفتاد و یک رحمت را برای ترس و هول قیامتش ذخیره کند.

آنچه نزد خداست: پاداشهای حق در برابر اعمال بنده

خـدای مهربـان، از روی رحمت و لطف، همه بنـدگانش را به اجرای واجبـاتی چون نمـاز، روزه، حـج، جهـاد، انفـاق، صـدقه، خـدمت به مردم، رعـایت حقـوق یکـدیگر و ترک هر گنـاه و معصـیتی دعـوت کرده است، و برای همه این اعمـال پاداشـی به تناسب ایمان و ظرفیت عمل کننده و عملش بر عهده خود قرار داده است.

در قرآن مجید قاطعانه اعلام داشته است که ما پاداش مصلحان و نیکوکاران را ضایع و تباه نخواهیم کرد، و رسیدن مصلحان و نیکوکاران به پاداش مقرّر شده، حتمی و یقینی است.

۱- «وَ الَّذِینَ یُمَسِّکونَ بِالکِتابِ وَأَقامُو الصَّلَاهَ إِنّا لا نُضِیعُ أَجْرَ الْمُصْلِحینَ». (۲)

و آنـان که به کتـاب [آسـمانی] چنـگ میزننـد [و عملا به آیاتش پایبندنـد] و نماز را برپا داشـته انـد، [دارای پاداشـند] یقیناً ما پاداش اصلاحگران را ضایع نمی کنیم.

۲- «إِنَّ اللّهَ لا یُضیعُ

۱- الکافی: ۲/ ۱۹۹، باب تفریج کرب المؤمن، حدیث ۱؛ وسائل الشیعه: ۱۶/ ۳۷۰، باب ۲۹، حدیث ۲۱۷۸۹.
۲- اعراف (۷): ۱۷۰.

أَجْرَ الْمُحْسِنينَ».(۱)

چرا که خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمیکند.

۳- «إِنَّ الَّذينَ آمَنُو وَعَمِلُو الصّالِحاتِ إِنّا لا نُضیعُ أَجْرَ مَنْ أَحْسَنَ عَمَلً». (۲)

مسلماً کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، [پاداششان داده خواهد شد] زیرا ما پاداش کسانی را که کار نیکو کرده اند، تباه نمی کنیم.

خدای مهربان، برای بندگان مؤمن و صالح و نیکوکار و پرهیزکار، چند نوع پاداش مقرّر فرموده، که در قرآن مجید به آنها اشاره شده است:

۱- اجر عظیم.

«لِلَّذِینَ أَحْسَنُو مِنْهُمْ وَاتَّقَوْا أَجْرٌ عَظِیمٌ» (۳)

برای کسانی از آنان که نیکی کردند و پرهیزکاری پیشه نمودند، پاداشی بزرگ است.

۲- اجر کریم.

«إِنَّ المُصَّدِّقِینَ وَالمُصَّدِّقاتِ وَأَقْرَضُو اللّهَ قَرْضاً حَسَناً یُضَاعَفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ کَرِیمٌ» (۴)

به یقین مردان صدقه دهنده و زنان صدقه دهنده، و وام دهندگان به خدا در حالی که وامی نیکو میدهند، وامشان دوچندان شود و برای آنان پاداشی نیکو است.

۳- اجر همیشگی.

«إِنَّ الَّذِینَ ءامَنُو وَعَمِلُو الصَّالِحاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَیْرُ مَمنُونٍ» (۵)

به راستی آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان پاداشی دائمی و همیشگی است.

۴- اجر کبیر.

«وَالَّذِینَ ءامَنُو وَعَمِلُو الصَّالِحاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ کَبیرٌ» (۶)

و آنان که ایمان آوردند و کارهای شایسته انجام دادند، برای آنان آمرزش و پاداشی بزرگ است.

۵- اجر دوباره

«أُولٰئِکَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُم مَرَّتَيْنِ بِما صَبَرُو وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَهِ السَّيِّئَهَ وَمِمَّا رَزَقْناهُمْ يُنْفِقونَ»(۷)

اینـان برای اینکه صبر پیشه کردنـد و بـا خوبی بـدی را دفع نمودنـد و از آنچه به آنان روزی دادیم انفاق کردنـد، پاداشـشان را دوبار دهند.

بهشت

خدای مهربان در قرآن مجید همه بندگانش را به آن جایگاه جاودانی و قرارگاه همیشگی دعوت کرده و راه رسیدن به آن

۱- توبه (۹): ۱۲۰.

۲- کهف (۱۸): ۳۰.

۳- آل عمران (۳): ۱۷۲.

۴- حدید (۵۷): ۱۸.

۵- فصّلت (۴۱): ۸.

۶- فاطر (۳۵): ۷.

۷- قصص (۲۸): ۵۴.

را ایمان و عمل صالح و تقوا و رعایت حلال و حرام دانسته است.

«وَسارِعُو إِلَی مَغْفِرَهٍ مِن رَبِّکُم وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ وَالأَرْضُ أُعِدَّت لِلْمُتَّقِینَ»(۱)

به سوی آمرزش از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش آسمانها و زمین است بشتابید.

«سابِقُو إِلَی مَغْفِرَهٍ مِن رَبِّکُمْ وَجَنَّهٍ عَرْضُهَا کَعَرْضِ السَّمآءِ وَالأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِینَ ءامَنُو بِاللّهِ وَرُسُلِهِ ذالِکَ فَضْلُ اللّهِ یُؤْتیهِ مَن یَشآءُ وَاللّهُ ذُو الفَضْلِ العَظِیمِ» (۲)

به سوی آمرزشی از جانب پروردگارتان و بهشتی که پهنایش مانند پهنای آسمان و زمین است پیشی گیرید، بهشتی که برای مؤمنان به خدا و پیامبران آماده شده است، این فضل خداست که به هرکس بخواهد عطا میکند و خدا دارای فضل بزرگ است.

«وَاللّهُ یَدْعُو إِلَی الجَنَّهِ وَالْمَغْفِرَهِ بِإِذْنِهِ» (۳)

و خدا به توفیق خود به سوی بهشت و آمرزش دعوت میکند.

خداوند مسابقه ای در مسیر سعادت ترتیب داده است که جزاء و پاداش آن مغفرت و آمرزش پروردگار و بهشت است، و در آیات فوق، امر فرموده که به سوی این پاداش بشتابید.

زرّین ترین مدالهای این مسابقه رحمت، آمرزش حق، مقام قرب الهی، رضایت پروردگار و بهشت پرنعمت که همانا فوز عظیم است.

«وَمَنْ عَمِلَ صالِحاً مِن ذَکَرٍ أَوْ أُنْثَی وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولائِکَ یَدْخُلونَ الجَنَّهَ یُرْزَقونَ فیهَا بِغَیْرِ حِسابٍ» (۴)

و کسانی که کارهای شایسته انجام داده اند، چه مرد چه زن، در حالی که مؤمنند اینان به بهشت درآیند، در آنجا بی حساب روزیشان دهند.

«وَالمُؤْمِنونَ وَالمُؤمِناتُ بَعْضُهُم أَوْلیآءُ بَعْضٍ یَأْمُرونَ بِالْمَعْروفِ وَیَنْهَوْنَ عَنِ المُنکَرِ وَیُقیمُونَ الصَّلَاهَ وَیُؤْتونَ الزَّکَاهَ وَیُطِیعُونَ اللّهَ وَرَسولَهُ أُولائِکَ سَیَرْحَمُهُمُ اللّهُ إِنَّ اللّهَ عَزیزٌ حَکیمٌ*

وَعَدَ اللّهُ المُؤمِنینَ وَالمُؤمِناتِ جَنّاتٍ تَجْری مِن تَحْتِهَا الأَنْهارُ خالِدینَ فِیها وَمَساکِنَ طَیِّبَهً

۱- آل عمران (۳): ۱۳۳.

۲- حدید (۵۷): ۲۱.

۳- بقره (۲): ۲۲۱.

۴- مؤمن (۴۰): ۴۰.

فِی جَنّاتِ عَدْنٍ وَرِضْوانٌ مِنَ اللّهِ أَکْبَرُ ذالِکَ هُوَ الفَوْزُ العَظیمُ»

مردان مؤمن و زنان مؤمن یار و یاور یکدیگرند، به معروف فرمان میدهند و از منکر باز میدارند و همواره نماز را برپا میکنند و زکات میپردازند و خدا و رسولش را اطاعت مینمایند، اینانند که خدا مورد رحمت قرارشان میدهد، زیرا خدا توانای شکست ناپذیر و حکیم است.

خدا به مردان مؤمن و زنان مؤمن وعده حتمی داده است، بهشتهایی را که از زیر درختانش نهرها جاری است، در آن بهشتها جاودانه اند و مسکنهای پاکیزه ای در بهشتهای همیشگی و رضوانی از سوی خدا بزرگتر از آن. این است آن کامیابی بزرگ.(۱)

در روایت معتبری آمده است که حضرت امام صادق علیه السلام میفرماید:

من و پدرم بیرون آمدیم و بین قبر و منبر رسول خدا رسیدیم. جمعی از شیعه در آنجا بودند. پدرم بر آنان سلام کرد و آنان جواب دادند. سپس فرمود: به خدا من بوی شما را و جان شما را دوست دارم، مرا در این موضوع با ورع و کوشش خود کمک کنید و بدانید که ولایت ما تنها با عمل و اجتهاد و کوشش به دست میآید. هر کدام از شما به بنده خدا اقتدا کند باید عمل او را انجام دهد.

أَنْتُمْ شِیعَهُ اللّهِ وَأَنْتُمْ أَنْصَارُ اللّهِ وَأَنْتُمُ السَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ وَالسَّابِقُونَ الآْخِرُونَ السَّابِقُونَ فِی الدُّنْیا إِلی وَلَایَتِنَا السَّابِقُونَ فِی الآْخِرَهِ إِلی الْجَنَّهِ وَقَدْ ضَمِنَّا لَکُمُ الْجَنَّهَ بِضَمَانِ اللّهِ وَضَمَانِ رَسُولِهِ.

شما شیعه خدا و شما یاران خدا و پیشروان اول و پیشروان آخرید و در دنیا پیشروان به ولایت و در آخرت پیشروان بهشتید ما برای شما بهشت

۱- توبه (۹): ۷۱- ۷۲.

را به ضمانت خدا و ضمانت رسولش ضمانت کردیم.(۱)

خدایا، خواست بنده ات این است که توفیق بیابد در نهایت با مؤمنان راستین در جوار رحمتت جمع شود.

همجواری با مؤمنان و موقنان و مخلصان و مشتاقان و سابقان نتیجه نهایی هدایت در صراط مستقیم است که با اطاعت خدا و رسول حاصل خواهد شد.

«وَمَن يُطِعِ اللّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولائِکَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللّهُ عَلَيْهِم مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولائِکَ رَفِيقاً»

و کسانی که از خدا و پیامبر اطاعت کنند، در زمره کسانی از پیامبران و صدیقان و شهیدان و شایستگان خواهند بود که خدا به آنان نعمت [ایمان، اخلاق و عمل صالح] داده؛ و اینان نیکو رفیقانی هستند. (۲)

امام علی علیه السلام فرمود: ثَمَنُ الجَنَّهِ العَمَلُ الصَّالِحُ.

بهای بهشت عمل شایسته است.(۳)

امام باقر علیه السلام فرمود:

عَشرٌ مَن لَقِيَ اللّهَ عَزَّ وَجِلَّ بِهِنَّ دَخَلَ الْجَنَّهَ: شَهَادَهُ أَن لَا إِلاهَ إِلَّا اللّهُ، وَأَنَّ مُحَمَّداً رَسُولُ اللّاهِ، وَالإِقرارُ بِما جَاءَ مِن عِنْدِ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِقامُ الصَّلاهِ، وَإِيتاءُ الزَّكاهِ، وَصَوْمُ شَهْرِ رَمَضانَ، وَحَجُّ البَيْتِ، وَالوَلايَهُ لِأَوْلِياءِ اللّاهِ، وَالبَرَاءَهُ مِن أَعْدَاءَ اللّاهِ، وَاجْتِنابُ كُلِّ مُسْكِرٍ.

ده چیز است، کسی که خدا را با آنها ملاقات کند وارد بهشت میشود: شهادت به اینکه معبودی جز خدا نیست، و اینکه محمّد پیامبر خداست، و اقرار به قرآنی که پیامبر از نزد خدا آورده است، و برپا داشتن نماز، و پرداخت زکات، و روزه ماه رمضان، و حج بیت، و دوستی اولیای خدا، و بیزاری از دشمنان خدا و دوری کردن از هر مست کننده.(۴)

رحمت خدا

قرآن مجید و روایات، رحمت خدا را نسبت به بندگانش بطور گسترده مطرح کرده اند و

۱- الأمالی «صدوق»: ۶۲۷ حدیث ۴.

۲- نساء (۴): ۶۹.

۳- غرر الحکم: ۱۵۴؛ میزان الحکمه: ۲/ ۷۹۴، باب الجنّت، حدیث ۲۵۳۸.

۴- الخصال: ۲/ ۴۳۲، حدیث ۱۶؛ میزان الحکمه: ۲/ ۷۹۶، باب الجنّه، حدیث ۲۵۴۸.

از همگان دعوت نموده انـد که برای تحصـیل رحمت خـدا با توسل به ایمان و عمل صالح، و توبه از گناه، و تقوا و نیکوکاری بشتابند.

«فَأَمَّا الَّذينَ ءامَنُو بِاللّهِ وَاعْتَصَمُو بِهِ فَسَيُدْخِلُهُم فِى رَحْمَهٍ مِنْهُ» (۱)

امّا کسانی که به خدا ایمان آورده اند و به او تمسّک جسته اند، پس آنان را در رحمتی از سوی خودش وارد خواهد کرد.

«وَإِذا جآءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنونَ بِآياتِنا فَقُل سَلامٌ عَلَيْكُمْ كَتَبَ رَبُّكُمْ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ»(۲)

و هنگـامی که مؤمنان به آیات ما نزد تو آمدنـد بگو: سـلام بر شـما، پروردگارتان رحمت (بر بنـدگان) را بر خود لازم و مقرّر کرده است.

«فَقُل رَبُّكُمْ ذُورَحْمَهٍ واسِعَهٍ» (۳)

پس بگو پروردگارتان دارای رحمت گسترده و فراگیر است.

«وَرَحْمَتى وَسِعَتْ كُلَّ شَىْ ءٍ» (۴)

رحمتم همه چیز را فرا گرفته است.

«وَاللّهُ رَؤُوفٌ بِالْعِبادِ»(۵)

و خدا به بندگان مهربان است.

«وَهُوَ أَرْحَمُ الرّاحِمينَ»(۶)

و او مهربانترین مهربانان است.

امام باقر علیه السلام فرمود:

«تَعَرَّض لِلرَّحْمَهِ وَعَفْوِ اللّهِ بِحُسْنِ المُراجَعَهِ، وَاسْتَعِنْ عَلَى حُسْنِ المُراجَعَهِ بِخَالِصِ الدُّعَاءِ وَالمُناجَاتِ فِى الظُّلَمِ».

بـا بـازگشت نیکو متعرّض رحمت و بخشـش خـدا شو، و برای تحقق بازگشت نیکو، از دعای خالص و مناجات در تاریکیهای شب کمک بخواه.(۷)

عفو خدا

«إِنَّ اللّهَ كَانَ عَفُوّاً غَفوراً» (۸)

یقیناً خدا همواره باگذشت و آمرزنده است.

«إِنَّ اللّهَ کانَ تَوّاباً رَحیماً» (۹)

خدا همواره بسیار توبه پذیر و مهربان است.

«إِنَّ رَبَّکَ واسِعُ الْمَغْفِرَهِ» (۱۰)

یقیناً آمرزش پروردگارت گسترده و وسیع است.

امام علی علیه السلام میفرماید:

أَمرُهُ قَضاءٌ وَحِکْمَهٌ، وَرِضاهُ أَمانٌ وَرَحْمَهٌ، یَقْضِی بِعِلْمٍ وَیَعْفُو بِحِلْمٍ.

فرمانش الزامی و حکیمانه است، و خوشنودیش امان و رحمت است؛ به دانش و آگاهی حکم میراند و به بردباری گذشت میکند و چشم میپوشد.(۱۱)

قالَ أَعرَابِیٌ: یا رَسولَ اللّاهِ، مَن یُحاسِبُ

۱- نساء (۴): ۱۷۵.

۲- انعام (۶): ۵۴.

۳- انعام (۶): ۱۴۷.

۴- اعراف (۷): ۱۵۶.

۵- بقره (۲): ۲۰۷؛ آل عمران (۳): ۳۰.

۶- یوسف (۱۲): ۶۴

۷- تحف العقول: ۲۸۴؛ بحار الأنوار: ۷۵/ ۱۶۲، باب ۲۲، حدیث ۱.

۸- نساء (۴): ۴۳.

۹- نساء (۴): ۱۶.

۱۰- نجم (۵۳): ۳۲.

۱۱- نهج البلاغه: خطبه ۱۶۰.

الخَلقَ یَومَ القِیامَهِ؟ قَالَ: اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ.

قَالَ: نَجونَا وَرَبِّ الکَعْبَهِ. قَالَ: وَکَیْفَ ذاکَ یا أَعرابِیُّ؟ قَالَ: لِأَنَّ الکَریمَ إِذا قَدَرَ عَفَا.

مردی عرب گفت: ای پیامبر خدا چه کسی روز قیامت حساب مردم را میرسد؟

فرمود: خدای عز و جل. مرد عرب گفت: به پروردگار کعبه سوگند نجات یافتیم.

فرمود: ای اعرابی چگونه؟ گفت: کریم چون قدرت یابد، گذشت میکند!(۱)

امام علیه السلام فرمود: مَنْ تَنَزَّهَ عَن حُرُماتِ اللّهِ سارَعَ إِلَیْهِ عَفْوُ اللّاهِ.

کسی که از محرمات خدا دوری کند، گذشت و عفو خدا به سوی او شتاب میگیرد.(۲)

خداوند بدیهای تائب را به خوبی تبدیل میکند!

«إِلّا مَنْ تابَ وَءامَنَ وَعَمِلَ عَمَلاً صَالِحاً فَأُولئِکَ یُبَدِّلُ اللّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ وَکانَ اللّهُ غَفوراً رَحیماً»

مگر کسانی که توبه کردند و مؤمن شدند و عمل شایسته بجا آوردند، پس ایناننـد که خدا زشتیهایشان را به حسنات تبدیل میکند و خدا همواره بسیار آمرزنده و مهربان است.(۳)

«وَأَقِمِ الصَّلَاهَ طَرَفَیِ النَّهارِ وَزُلَفاً مِنَ الَّیْلِ إِنَّ الحَسَناتِ یُذْهِبْنَ السَّیِّئاتِ»

نماز را دو طرف روز و ساعات اول شب به پا دار، زیرا خوبیها گناهان را از بین میبرد.(۴)

در روایتی از «ابوذر» از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله میخوانیم:

روز قیامت بعضی از افراد را حاضر میکنند. خدا دستور میدهد گناهان صغیره را به او عرضه کنید و کبیره ها را بپوشانید. به او گفته میشود: تو در فلان روز فلان گناه صغیره را انجام دادی و او به آن اعتراف میکند، ولی دلش از کبائر ترسان و لرزان است.

در اینجا هرگاه خدا بخواهد به او لطفی کند، دستور میدهد به جای هر سیّئه حسنه ای به او بدهید.

عرض میکند: پروردگارا، من

۱- مجموعه ورّام: ۱/ ۹؛ میزان الحکمه: ۳/ ۲۰۱۹.

۲- أعلام الدين: ۱۸۶؛ بحار الأنوار: ۷۵/ ۹۰، باب ۱۶، حديث ۹۵.

۳- فرقان (۲۵): ۷۰.

۴- هود (۱۱): ۱۱۴.

گناهان مهمی داشتم که آنها را در اینجا نمی بینم؟

ابوذر میگوید: در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله تبسم کرد که دندانهایش آشکار شد،

سپس این آیه را تلاوت فرمود: «فَأُولائِکَ یُبَدِّلُ اللّهُ سَیِّئاتِهِمْ حَسَناتٍ.

آنان کسانی هستند که خدا بدیهایشان را به خوبیها تبدیل میکند. (۱) (۲)

وسعت رحمت و وفور مغفرت الهی، غفار الذنوب و ستار العیوب بودن خداوند در روایات

درباره رحمت حق، روایات بسیار مهمی در کتابهای با ارزش حدیث وارد شده است:

امام علی علیه السلام میفرماید:

«مَا کَانَ اللّهُ لِیَفْتَحِ عَلَی عَبْدٍ بَابَ الشُّکْرِ وَیُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الزِّیَادَهِ وَلا لِیَفْتَحَ عَلَی عَبْدٍ بَابَ الدُّعَاءِ وَیُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الإِجَابَهِ وَلا لِیَفْتَحَ لِعَبْدٍ بَابَ التَّوْبَهِ وَیُغْلِقَ عَنْهُ بَابَ الْمَغْفِرَه».(۳)

«خدا بر این نیست که درب شکر را به روی عبد باز کند و درب افزون شدن نعمت را بر او ببندد، و بر این نیست که درب دعا را باز کند و درب اجابت را بر وی ببندد، و بر این نیست که درب توبه را باز کند و درب آمرزش را به روی او ببندد».

از امام باقر علیه السلام روایت شده است:

لَا وَاللّهِ مَا أَرادَ اللّهُ مِنَ النَّاسِ إِلَّا خَصْلَتَیْنِ: انْ یُقِرُّو لَهُ بِالنِّعَمِ فَیَزِیدَهُم، وَبِالذُّنُوبِ فَیَغْفِرَها لَهُمْ

به خدا سوگند خدا، از مردم جز دو خصلت نمی خواهد: به نعمتهایش اقرار کنند تا بر آنان بیفزاید، و به گناهان اعتراف نمایند تا بر آنان ببخشاید.(۴)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

مَن تَابَ، تَابَ اللّهُ عَلَیْهِ وَامِرَتْ جَوارِحُهُ انْ تَسْتُرَ عَلَیْهِ، وَبِقاعُ الأَرْضِ أَنْ تَکْتُمَ عَلَیْهِ، وَأُنْسِیَتِ الحَفَظَهُ مَا کانَتْ تَکْتُب عَلَیْهِ.

کسی که توبه کند، خدا توبه اش را میپذیرد و به اعضایش فرمان میرسد که گناهانش را

۱- فرقان (۲۵): ۷۰.

۲- نور الثقلین: ۴/ ۳۳.

۳- نهج البلاغه: حکمت ۴۳۵.

۴- الکافی: ۲/ ۴۲۶، باب الاعتراف بالذنوب، حدیث ۲؛ میزان الحکمه: ۲/ ۶۴۲، باب التوبه، حدیث ۲۱۵۳.

بر او پوشیده دارنـد، و به قطعه های زمین امر میشود که گناهانش را بر او کتمان کننـد، و آنچه را کاتبان عمل در پرونـده اش نوشته اند از یادآنان میبرند.(۱)

«معاویه بن وهب» میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم فرمود:

إِذَا تَابَ العَبدُ المُؤمِنُ تَوبَةً نَصوحاً احَبَّهُ اللّهُ فَسَتَرَ عَلَيْهِ فِی الدُّنْيا وَالآخِرَهِ. قُلتُ:

فَكَيْفَ يَسْتُرُ عَلَيْهِ؟ قالَ: يُنْسِی مَلَكَيْهِ مَا كَتَبا عَلَيْهِ مِنَ الذُّنوبِ... فَيَلْقَی اللّهَ حِينَ يَلْقاهُ وَلَيسَ شَیْ ءٌ يَشْهَدُ عَلَيْهِ بِشَیْ ءٍ مِنَ الذُّنوبِ.

هنگامی که بنـده مؤمن توبه خالص میکنـد، خدا به او محبّت میورزد، پس در دنیا و آخرت بر او میپوشاند. گفتم: چگونه بر او میپوشانـد؟ فرمود: آنچه را از گناهـان دو فرشـته نویسـنده بر او نوشـته انـد از یـاد آنـان میبرد، پس هنگامی که خـدا را ملاقات میکند، چیزی که به اندکی از گناهانش گواهی دهد وجود نخواهد داشت.(۲)

در حدیثی از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است:

مَا سَتَرَ اللّهُ عَلَی عَبدٍ فِی الدُّنیَا إِلّا سَتَرَ عَلَيْهِ فِی الآخِرَهِ.

خداوند چیزی از گناه و زشتی در دنیا بر عبد نمیپوشاند مگر آنکه در آخرت نیز بر او میپوشاند.(۳)

در تفسیر منهج الصادقین روایت شده است:

«وقتی روز قیامت شود، بنده ای از اهل ایمان را حاضر کنند، خطاب رسد: بنده من نعمتم را سربار معصیت ساختی و چندان که نعمت را بر تو افزودم تو بر عصیان افزودی. بنده از خجلت معصیت سر در پیش افکند. از پیشگاه رحمت خطاب رسد: ای بنده من، سر بردار که همان ساعت که معصیت میکردی تو را آمرزیدم و قلم عفو بر آن کشیدم».

و نیز روایت شده:

«بنده

۱- ثواب الأعمال: ۱۷۹؛ بحار الأنوار: ۶/ ۲۸، باب ۲۰، حدیث ۳۲.

۲- الکافی: ۲/ ۴۳۰، باب التوبه، حدیث ۱؛ بحار الأنوار: ۶/ ۲۸، باب ۲۰، حدیث ۳۱.

۳- عدّه الداعی: ۲۲۴؛ مجموعه ورّام: ۱/ ۱۸۹.

ای را نزدیک آورند، آن بیچاره به خاطر گناه بسیار سر به زیر اندازد و از شرمساری به گریه درآید، از درگاه عزّت و رحمت خطاب رسد: آن روز که گناه میکردی و میخندیدی تو را شرمسار نساختم، امروز که سر شرمساری و خجلت به پیش انداخته ای و گناه نمیکنی و زاری و گریه میآوری، چگونه تو را عذاب کنم، گناهت را بخشیدم و اجازه درآمدن به جنت را به تو مرحمت کردم.»

(۱)

قَالَ رَسُولُ اللّهِ صلی الله علیه و آله: إنَّ لِلّهِ تَعالی مِائَهَ رَحْمَهٍ أَنزَلَ مِنها رَحمهً واحِدَهً بینَ الجِنِّ وَالْإنْسِ وَالطَّیرِ وَالبَهائِمِ وَالهَوامِّ، فَبِها یَتَعاطَفُونَ، وَبِها یَتَراحَمُونَ، وَآخَرَ تِسعاً وَ تِسعینَ رَحمهً یَرحَمُ اللّهُ بِها عِبادَهُ یَومَ القِیامَهِ.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدا را صد رحمت است که یک رحمتش را میان جن و انس و پرندگان و حیوانات و حشرات نازل کرده، همه آنان بوسیله آن یک رحمت به یکدیگر محبّت و مهر میورزند، و با نود و نُه رحمت دیگر در روز قیامت به بندگانش رحم میکند.(۲)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده:

«إِنَّ لِلّهِ مِائَهَ رَحْمَهٍ أَنْزَلَ مِنْهَا رَحْمَهً وَاحِدَهً بَیْنَ الْجِنِّ وَالإِنْسِ وَالْبَهَائِمِ وَأَخَّرَ تِسْعَهً وَتِسْعِینَ رَحْمَهً یَرْحَمُ بِهَا عِبَادَهُ».(۳)

خدا را صد رحمت است، از آن صد رحمت، یکی را بر جن و انس و چهارپایان نازل کرد، و نود و نُه دیگر را (در خزانه احسان خود) نگاه داشت تا در آخرت بر بندگان نثار فرماید.

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدای عز و جل روز قیامت به مؤمنین میگوید: لقای مرا دوست داشتید؟ میگویند: آری ای پروردگارمان. میگوید: برای

۱- تفسیر منهج الصادقین: ۱/ ۳۱.

۲- محجّه البیضاء: ۸/ ۳۸۴، کتاب ذکر الموت، باب ۸؛ روض الجنان و روح الجنان: ۱/ ۱۶۲.

۳- نهج الحق: ۳۷۴؛ محجّه البیضاء: ۸/ ۳۸۴، باب فی سعه رحمه اللّه بحار الأنوار: ۶/ ۲۱۹، باب ۸، ذیل حدیث ۱۳.

چه؟ میگویند:

چون به گذشت و آمرزشت امید داشتیم. میگوید: آمرزشم را بر شما واجب نمودم.(۱)

و نیز پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

خدا روز قیامت میگوید: هرکس مرا یک روز یاد کرده، یا در مقامی از من ترسیده از آتش بیرون آورید.(۲)

و نیز آن حضرت فرمود:

اللّهُ تَعالَی أَرحَمُ بِعَبْدِهِ المُؤمِنِ مِنَ الوالِدَهِ الشَّفیقَهِ بِوَلَدِها.

خدای تعالی به بنده مؤمنش از مادر مهربان نسبت به فرزندش مهربان تر است.(۳)

«ابوسعید خدری» از پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله روایت کرده:

چون مؤمنان گنهکار را به دوزخ برند، آتش بر آنان سرد شود تا بیرونشان آورند، آنگاه از طرف حضرت الله به فرشتگان خطاب آید: اینان را به فضل و رحمت من به بهشت درآورید که دریای مرحمت من و امتنان و لطفم بیکران و فضل و احسانم بیپایان است.

از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله روایت شده است که فرمود:

«یُنَادِی مُنَادٍ یَوْمَ الْقِیَامَهِ تَحْتَ الْعَرْشِ یَا أُمَّهَ مُحَمَّدٍ مَا کَانَ لِی قِبَلَکُمْ فَقَدْ وَهَبْتُهُ لَکُمْ وَقَدْ بَقِیَتِ التَّبِعَاتُ بَیْنَکُمْ فَتَوَاهَبُو وَادْخُلُو الْجَنَّهَ بِرَحْمَتِی».(۴)

روز قیامت از تحت عرش منادی ندا میدهد: ای امت محمد، هر حقی که من دارم بر شما بخشیدم و تنها حقوق شما بر همدیگر باقی مانده است. پس یکدیگر را ببخشایید و به رحمت من داخل بهشت شوید.

از رئیس محدثین، حدیث شناس کم نظیر، «شیخ صدوق» رحمه الله، از امام صادق علیه السلام روایت شده:

«إِذَا کَانَ یَوْمُ الْقِیَامَهِ نَشَرَ اللّهُ تَبَارَکَ وَتَعَالَی رَحْمَتَهُ حَتَّی یَطْمَعَ إِبْلِیسُ فِی رَحْمَتِهِ».(۵)

چون قیامت برپا شود، رحمت واسعه الهی چنان جلوه کند و از گناهکاران فوج فوج بیامرزد، که شیطانِ رانده شده، در عفو

۱- محجّه البیضاء: ۸/ ۳۸۴، کتاب ذکر الموت، باب ۸؛ کنز العمال: ۱۴/ ۴۴۸، حدیث ۳۹۲۱۲.

۲- محجّه البیضاء: ۸/ ۳۸۴، کتاب ذکر الموت، باب ۸؛ کنز العمال: ۱/ ۴۲۷، حدیث ۱۸۴۳.

۳- محجّه البيضاء: ۸/ ۳۸۵، كتاب ذكر الموت، باب ۸؛ جامع السعادات: ۱/ ۲۲۸.

۴- عدّه الداعی: ۱۴۸؛ بحار الأنوار: ۶/ ۷، باب ۱۹، حدیث ۱۷؛ محجّه البيضاء: ۸/ ۳۸۶.

۵- الأمالی «صدوق»: ۲۰۵؛ روضه الواعظين: ۳/ ۵۰۲؛ بحار الأنوار: ۷/ ۲۸۷، باب ۱۴، حدیث ۱.

خدا به طمع افتد.

در روایتی بسیار مهم آمده:

چون بنده مؤمن را در قبر گذارند و سر قبر را بپوشانند و دوستان و رفیقان برگردند و او را در کنج لحد تنها گذارند، حضرت عزّت از روی لطف و رحمت به او خطاب کند: بنده من در این تاریکی تنها ماندی، و آنان که به خاطر خشنودیشان معصیت مرا کردی و رضای آنان را به رضای من برگزیدی، از تو جدا شدند و تو را تنها گذاشتند و رفتند،

امروز تو را به رحمت واسعه خود بنوازم چنان که خلایق تعجّب کنند. پس به فرشتگان خطاب شود:

ای فرشتگان من، بنده ام غریب و بیکس و بی یاور و دور از وطن است؛ اکنون در این لحد مهمان من است، بروید او را یاری کنید و دری از بهشت به رویش بگشایید و انواع ریاحین و طعام نزدش حاضر کنید و پس از آن او را به من واگذارید که مونس او تا قیامت خواهم بود.(۱)

(۲)

توبه پذیری خدای مهربان

پذیرش توبه و قبول عذر گنهکاران، بزرگترین نشانه رحمت بی انتهای الهی است.

توبه و بازگشت انسان به سوی خدای متعال، بالاترین واجبی است که میتوان از آن به عنوان نقطه آغاز عشق میان انسان و خدای مهربان عالم یاد کرد.

در قرآن کریم که کتاب هدایت و بشارت دهنده رحمت الهی است، آیاتی پیرامون توبه پذیری

۱- تفسیر منهج الصادقین: ۱/ ۳۱.
۲- روایات باب رحمت خدای متعال بطور مفصّل در بحار الأنوار: ۷/ ۲۸۶، باب ۱۴ ما یظهر من رحمته تعالی فی القیامه، و محجّه البیضاء: ۸/ ۳۸۳، باب فی سعه رحمه اللّه، و کتاب تفسیر فاتحه الکتاب و دیگر تفاسیر قرآن نقل شده است.

خدای غفور آمده است، مانند:

«کَتَبَ رَبُّکُمْ عَلی نَفْسِهِ الرَّحْمَهَ أَنَّهُ مَنْ عَمِلَ مِنْکُمْ سُوءاً بِجَهالَهٍ ثُمَّ تابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَحِیمٌ»(۱)

پروردگارتان رحمت را بر خود لازم و مقرّر کرده؛ به تحقیق هر کس از شما به نادانی کار زشتی مرتکب شود، سپس بعد از آن توبه کند و [مفاسد خود را] اصلاح نماید، [مشمول آمرزش و رحمت خدا شود]؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

«وَ هُوَ الَّذی یَقْبَلُ التَّوْبَهَ عَنْ عِبادِهِ وَیَعْفُو عَنِ السَّیِّئاتِ وَیَعْلَمُ ما تَفْعَلُونَ»(۲)

و اوست که توبه را از بندگانش میپذیرد، و از گناهان در میگذرد، و آنچه را انجام میدهید، میداند.

«یا أَیُّهَا الَّذینَ آمَنُو تُوبُو إِلَی اللّهِ تَوْبَهً نَصُوحاً عَسی رَبُّکُمْ أَنْ یُکَفِّرَ عَنْکُمْ سَیِّئاتِکُمْ» (۳)

ای مؤمنان، به پیشگاه خدا توبه کنید، توبه ای خالص [که شما را از بازگشت به گناه بازدارد]؛ امید است پروردگارتان گناهانتان را از شما محو کند.

در روایتی که از حضرت امام باقر علیه السلام نقل شده است چنین آمده که دعای آدم و حوا در ماجرای توبه این دعا بوده است:

«لا إِلاهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَأَنْتَ خَیْرُ الْغَافِرِینَ.

لا إِلاهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَاغْفِرْ لِی وَارْحَمْنِی وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِینَ.

لا إِلاهَ إِلّا أَنْتَ سُبْحَانَکَ اللّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ عَمِلْتُ سُوءاً وَظَلَمْتُ نَفْسِی فَتُبْ عَلَیَّ إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ».

معبودی جز تو نیست، خداوندا، تو منزه و ستوده ای، من بد کرده و به خود ستم روا داشته ام، پس مرا ببخش که تو بهترین آمرزنده ای.

معبودی جز تو نیست، خداوندا تو منزّه و ستوده ای، من بد

۱- انعام (۶): ۵۴.

۲- شوری (۴۲): ۲۵.

۳- تحریم (۶۶): ۸.

کرده و به خود ستم روا داشته ام، پس مرا بیامرز و بر من رحم نما که تو مهربانترین مهربانانی.

معبودی جز تو نیست، خداوندا تو منزه و ستوده ای، من بد کرده و به خود ستم روا داشته ام، پس توبه ام را بپذیر که تو بسیار پذیرنده توبه و مهربانی.

و در روایتی دیگر در ذیل آیه شریفه «فَتَلَقّی آدَمُ مِنْ رَبِّهِ کَلِماتٍ» (۱)فرمود:

«سَأَلَهُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وعَلِیٍّ والْحَسَنِ وَالْحُسَیْنِ وَفَاطِمَهَ صَلَّی اللّهُ عَلَیْهِمْ».

از خدا به حق محمد و علی و حسن و حسین و فاطمه علیهم السلام درخواست پذیرش توبه نمود.(۲)

مهمترین راه توبه، راه توسل و تمسّک به اهل بیت علیهم السلام است.

آن بزرگواران محل نزول فیض خدا و واسطه میان بندگان و پروردگار متعالند. بدون تردید هیچ فیضی جز از ناحیه آن بزرگواران به بشر نمیرسد.

در زیارت مطلقه اول حضرت امام حسین علیه السلام که از زیارات معتبر میباشد آمده است:

«وَ بِکُمْ فَتَحَ اللّهُ وَبِکُمْ یَخْتِمُ اللّهُ وَبِکُمْ یَمْحُو مَا یَشَاءُ وَیُثْبِتُ وَبِکُمْ یَفُکُّ الذُّلَّ مِنْ رِقَابِنَا وَبِکُمْ یُدْرِکُ اللّهُ تِرَهَ کُلِّ مُؤْمِنٍ یُطْلَبُ بِهَا وَبِکُمْ تُنْبِتُ الْأَرْضُ أَشْجَارَهَا وَبِکُمْ تُخْرِجُ الْأَرْضُ ثِمَارَهَا وَبِکُمْ تُنْزِلُ السَّمَاءُ قَطْرَهَا وَرِزْقَهَا وَبِکُمْ یَکْشِفُ اللّهُ الْکَرْبَ وَبِکُمْ یُنَزِّلُ اللّهُ الْغَیْثَ وَبِکُمْ تُسَبِّحُ الْأَرْضُ الَّتِی تَحْمِلُ أَبْدَانَکُمْ وَتَسْتَقِرُّ جِبَالُهَا عَلَی مَرَاسِیهَا إِرَادَهُ الرَّبِّ فِی مَقَادِیرِ أُمُورِهِ تَهْبِطُ إِلَیْکُمْ وَتَصْدُرُ مِنْ بُیُوتِکُم»

و خدا به شما بگشاید، و خدا به شما ببندد، و به شما آنچه بخواهد محو کند و پابرجا نماید، و به شما رشته خواری را از گردن ما باز نماید، و خدا به شما انتقام خون هر مؤمنی را که مورد مطالبه است

۱- بقره (۲): ۳۷

۲- الکافی: ۸/ ۳۰۵، حدیث ۴۷۲؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۱۰۰، باب ۳۷، حدیث ۸۸۴۵.

بگیرد، و به شما درختان را برویاند، و به شما زمین میوه هایش را بیرون آورد، و به شما آسمان باران و روزیش را نازل نماید، و خدا به شما گرفتاریها را برطرف سازد، و به شما باران فرو بارد، و به شما زمینی که حامل بدنهای شماست تسبیح میگوید، و کوههایش به وسیله لنگرهای آن مستقر میگردد، خواست پروردگار در اندازه گیریهای امورش به شما برمیگردد، و از خانه های شما صادر میگردد.(۱)

امام باقر علیه السلام به «محمد بن مسلم» میفرماید:

«ذُنُوبُ الْمُؤْمِنِ إِذَا تَابَ مِنْهَا مَغْفُورَةٌ لَهُ فَلْيَعْمَلِ الْمُؤْمِنُ لِمَا يَسْتَأْنِفُ بَعْدَ التَّوْبَهِ وَالْمَغْفِرَهِ أَمَا وَاللّهِ إِنَّهَا لَيْسَتْ إِلّا لِأَهْلِ الإِيمَانِ

قُلْتُ فَإِنْ عَادَ بَعْدَ التَّوْبَهِ وَالاسْتِغْفَارِ مِنَ الذُّنُوبِ وَعَادَ فِی التَّوْبَهِ فَقَالَ يَا مُحَمَّدَ بْنَ مُسْلِمٍ أَتَرَی الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ يَنْدَمُ عَلَی ذَنْبِهِ وَيَسْتَغْفِرُ مِنْهُ وَيَتُوبُ ثُمَّ لا يَقْبَلُ اللّهُ تَوْبَتَهُ

قُلْتُ فَإِنَّهُ فَعَلَ ذالِکَ مِرَاراً يُذْنِبُ ثُمَّ يَتُوبُ وَيَسْتَغْفِرُ اللّهَ فَقَالَ كُلَّمَا عَادَ الْمُؤْمِنُ بِالاسْتِغْفَارِ وَالتَّوْبَهِ عَادَ اللّهُ عَلَيْهِ بِالْمَغْفِرَهِ وَإِنَّ اللّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ يَقْبَلُ التَّوْبَهَ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ فَإِيَّاکَ أَنْ تُقَنِّطَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ رَحْمَهِ اللّهِ».(۲)

ای محمد ابن مسلم، گناهان مؤمن که از آن توبه کند برای او آمرزیده است، و باید برای آینده پس از توبه و آمرزش، کار نیک کند. به خدا سوگند، این فضیلت فقط برای اهل ایمان است.

«محمد ابن مسلم» میگوید: عرض کردم: پس اگر بعد از توبه و استغفار از گناهان، باز گناه کند و دوباره توبه کند چگونه است؟

فرمود: ای محمد ابن مسلم، آیا باور داری که بنده مؤمن از گناه خود پشیمان شود و از خدا آمرزش خواهد و توبه کند و خداوند

۱- کامل الزیارات: ۱۹۹.

۲- الکافی: ۲/ ۴۳۴، حدیث ۶؛ ارشاد القلوب: ۱/ ۱۸۰، باب ۵۱؛ وسائل الشیعه: ۱۶/ ۷۹- ۸۰، باب ۸۹، حدیث ۲۱۰۳۳.

توبه اش را نپذیرد؟!

عرض کردم: اگر چند بار این کار را کرده، گناه کند و آنگاه توبه نماید و از خدا آمرزش بخواهد، این چگونه است؟

فرمود: هر زمانی که مؤمن به استغفار و توبه بازگردد، خداوند نیز به آمرزش او برمیگردد و گناهانش را بیامرزد، و یقیناً خداوند آمرزنده و مهربان است، توبه را میپذیرد، و از کردارهای بد میگذرد، پس مبادا تو مؤمنان را از رحمت خدا دور سازی.

گناه، عامل نزول رحمت خدای متعال به سوی گنهکار است. امام صادق علیه السلام میفرماید:

«إِنَّ الرَّجُلَ لَيُذْنِبُ الذَّنْبَ فَيُدْخِلُهُ اللّهُ بِهِ الْجَنَّةَ. قُلْتُ: يُدْخِلُهُ اللّهُ بِالذَّنْبِ الْجَنَّةَ؟

قَالَ: نَعَمْ إِنَّهُ لَيُذْنِبُ فَلا يَزَالُ مِنْهُ خَائِفاً مَاقِتاً لِنَفْسِهِ فَيَرْحَمُهُ اللّهُ فَيُدْخِلُهُ الْجَنَّةَ».

همانا بنده گناه را انجام میدهد و خدا او را وارد بهشت میکند. راوی گفت: عرض کردم: با اینکه گناه کرده به بهشت میرود؟ فرمود: آری؛ زیرا گناه کرده و همواره از آن هراسان است و نفس خود را سرزنش مینماید و او را دشمن میدارد، بدین جهت خدا او را به بهشت میبرد.(۱)

«ابان بن تَغلب» میگوید: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرماید:

«مَا مِنْ عَبْدٍ أَذْنَبَ ذَنْباً فَنَدِمَ عَلَيْهِ إِلّا غَفَرَ اللّهُ لَهُ قَبْلَ أَنْ يَسْتَغْفِرَ»

هیچ بنده ای نیست که گناهی را مرتکب شود پس نسبت به آن گناه، پشیمان شود مگر اینکه قبل از اینکه از خداوند طلب بخشش نماید، خداوند او را آمرزیده است.(۲)

از رسول خدا علیه السلام روایت شده است که چند حاجت از خدا درخواست کردم، یکی از آنها این بود که گفتم: خدایا، حساب امّت مرا به خودم واگذار.

خطاب رسید: هرچند تو پیامبر

۱- الکافی: ۲/ ۴۲۷، حدیث ۳؛ وسائل الشیعه: ۱۶/ ۶۱، باب ۸۳، حدیث ۲۰۹۸۳.

۲- الکافی: ۲/ ۴۲۷، حدیث ۸؛ وسائل الشیعه: ۱۶/ ۶۲، باب ۸۳، حدیث ۲۰۹۸۵.

رحمتی، ولی ارحم الرّاحِمین نیستی، اگر به بعضـی از خطاهـای آنـان آگاه شوی، از آنان بیزار گردی. بگـذار فقط من بر گناه امت تو آگاه باشم.

یـا محمـد، حسـاب ایشان را چنان انجام دهم که تو هم بر زشتیهای اعمال آنان آگاه نشوی، پس وقتی گناهانشان را از تو- که مظهر رحمت واسعه هستی- پنهان کنم، به طریق اولی از بیگانگان، پوشیده خواهم داشت.

یا محمد، اگر تو به اینان مهربانیِ نبوت داری، من با ایشان مرحمتِ خدایی دارم. اگر تو پیامبر آنانی، من خدای ایشانم. اگر تو امروز آنان را میبینی، من از ازل تا ابد نظر عنایت درباره ایشان داشته و دارم و خواهم داشت.

امام چهارم علیه السلام در دعای «ابو حمزه» بخشی از صفات خدا را به این صورت بیان میکند:

سَتّارُ العُیُوب، غَفّارُ الذُّنُوب، عَلَّامُ الغُیُوب، تَسْتُرُ الذَّنْبَ بِکَرَمِکَ وَتُؤَخّرُ العُقُوبَهَ بِحِلْمِکَ.

پوشاننده عیبها، آمرزنده گناهان، دانای نهانها، گناه را به بزرگواریت میپوشانی و عقوبت را به بردباریت به تأخیر می اندازی.

بعضـی از بندگان حق، اخلاق پرده پوشیشان نسبت به عیوب دیگران چنان قوی بوده که انسان از شنیدن داستانهای پرده پوشی آنـان غرق در حیرت و تعجّب میشود؛ پس خـدای مهربـان که وجودش بینهـایت و نامحـدود است، در پرده پوشـی و ستّاریّت چگونه است؟!

یعقوب پیامبر علیه السـلام، در اصـراری که به یوسف علیه السـلام برای بیان سـتمی که برادرانشان به او روا داشـتند، جوابی جز این نشنید که گفت:

«عَفَا اللّهُ عَمَّا سَلَفَ» (۱)

[ای پدر]، خدا از آنچه اتفاق افتاد درگذشت و چشم پوشید.

حلم، رحمت، رأفت و فضل پروردگار

اطاعت و بندگی، چشیدن رحمت و غفران الهی را به دنبال دارد.

منزّه است

ص: ۴۸

۱- مائده (۵): ۹۵.

خدای رَئوف و مهربانی که اهل توحید و تسلیم شدگان به درگاه خویش که آرزومند رحمت واسعه اش میباشند را به آتش غضب خویش گرفتار نماید.

مگر نه این است که رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله فرمودند:

«لَا یَدْخُلُ النَّارَ مَنْ فِی قَلْبِهِ مِثْقَالُ حَبَّهٍ مِنْ خَرْدَلٍ مِنْ إِیمَانٍ».

به آتش درنیاید بنده ای که در دلش به اندازه یک دانه از خردل، ایمان باشد.(۱)

بهشت، مظهر رحمت واسعه خداست، و سزاوار ارزش وجودی انسان است که در سایه رحمت واسعه الهی قرار گیرد.

از این رو مولای متقیان علی علیه السلام، ثمن و بهای حقیقی نفس انسان را بهشت میداند و میفرماید آن را به کمتر از بهشت نفروش.

«إِنَّهُ لَیسَ لِأَنْفُسِکُمْ ثَمَنٌ إِلَّا الْجَنَّهَ فَلا تَبِیعُوهَا إِلَّا بِهَا.» (۲)

این ارزشی است که خداوند در وجود انسان نهاده است و چه ساده انگارانه است که گمان رود خداوند، اراده کرده است که بندگانش را گرفتار شعله های خشم خود نماید!

خدایی که خود را در قرآن، مهربانترین مهربانان و رحمن و رحیم و کریم و غفور و عزیز و ودود و ملک و قدوس و لطیف و صاحب فضل و قبول کننده توبه ستوده است.

عبد نباید از لطف و عنایت و رحمت پروردگار عالمیان نا امید باشد؛

چرا که او با وجودی قدسی و پروردگاری مهربان و کریم روبروست؛ کسی که هر گناهکاری را به توبه دعوت میکند تا او را بیامرزد، و هر ورشکسته ای را میخواند تا ورشکستگیش را جبران کند، و هر دردمندی را دعوت میکند تا درمانش نماید.

شخصی به یکی از سالکان راه دوست گفت: من دامن به

۱- ثواب الأعمال: ۲۲۱؛ بحار الأنوار: ۷۰/ ۲۳۵، باب ۱۳۰.

۲- نهج البلاغه: حکمت ۴۵۶.

گناه آلودم، آیا گمان میکنی که مرا بپذیرند؟ گفت: وای بر تو، خدا اعراض کنندگان و پشت کنندگان به حق و حقیقت را می خواند، چگونه ممکن است از در خانه اش کسی را که به حضرتش ملتجی شده و به او پناه آورده براند؟!

مرحوم «ابن فهد حلی» در کتاب عدّه الداعی روایت کرده:

هنگامی که حق تعالی موسی علیه السلام را به سوی فرعون فرستاد تا او را (از گناهانش) بترساند، به موسی علیه السلام فرمود: به فرعون بگو که: من به عفو و آمرزش و گذشت (از عیوب) و بردباری (نسبت به گناهکاران و اجابت دعای گدایان)، بیشتر از غضب و عقوبت شتاب میکنم.(۱)

آری، معامله او با اهل توحید جز با فضل و احسان نیست و نبوده و نخواهد بود.

کسی که به یگانگیش شهادت دهد و تا اندازه ای به خواسته های حضرتش جامه عمل بپوشاند، مورد لطف بیکران و رحمت بینهایت قرار خواهد گرفت و با لطف و کرمش با آنان معامله میکند.

خدای مهربان، با کمترین دستآویزی، دریای رحمتش را به سوی بنده اش سرازیر میکند، و او را از همه طرف، مورد لطف و محبّت قرار میدهد.

مهر و محبّت الهی را چگونه میتوان درک کرد و مقام رحمتش را چگونه میتوان بر غضبش مستولی ندانست در حالی که رحمت او همه چیز را فرا گرفته است؟

«یَا مَنْ سَبَقَتْ رَحْمَتُهُ غَضَبَهُ،» (دعای عرفه).

رأفت و رحمت حضرت حق تمام عالم را فراگرفته و ریزترین موجودات عالم تا با عظمتترین آنان مشمول رحمت حقند.

اما اینکه چه رابطه ای بین عذاب و رحمت حق وجود دارد، سؤالی است که

۱- عدّه الداعی: ۱۴۵؛ بحار الأنوار: ۱۳/ ۶۳، باب ۲.

پاسخ آن را خداوند در قرآن کریم بیان فرموده است:

«عَذَابِی أُصِیبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِی وَسِعَتْ کُلَّ شَیْ ءٍ» اعراف (۷): ۱۵۶.

عذابم را به هرکس بخواهم میرسانم و رحمتم همه چیز را فرا گرفته است.

در این آیه، خداوند عذاب را مقید به جمله (أُصِیبُ بِهِ مَن أَشاءُ) نموده و در رحمت خود چنین قیدی به کار نبرده است، تا معلوم سازد که عذاب از اقتضای عمل گناهکاران ناشی میشود، نه از ناحیه خود او؛

چرا که از ناحیه او جز رحمت ناشی نمیشود. چنان که فرموده:

«مَا یَفْعَلُ اللّهُ بِعَذَابِکُمْ إِن شَکَرْتُمْ وَآمَنْتُمْ» (۱)

اگر شما سپاسگزارِ [نعمتهای بیشمارِ حق] باشید و ایمان آورید، خدا را با عذاب شما چه کار؟

پروردگار رحیم و مهربان، جود مطلق است و بخشندگی، عین ذات اوست. سایه رحمت و مهربانیش، بر سر بندگان گسترده است.

و نیز فرموده:

«لَئِن شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَلَئِن کَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِی لَشَدِیدٌ»(۲)

و [نیز یاد کنید] هنگامی را که پروردگارتان اعلام کرد که اگر سپاسگزاری کنید، قطعاً [نعمتِ] خود را بر شما می افزایم، و اگر ناسپاسی کنید، بی تردید عذابم سخت است.

مراد از فضل پروردگار، عطیه و احسان و رحمت اوست.

خداوند خود را در قرآن کریم به این صفت متصف نموده میفرماید:

«یَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ یَشَاءُ وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ» (۳)

هرکه را بخواهد، به رحمت خود اختصاص میدهد، و خدا دارای فضل بزرگ است.

«ذالِکَ فَضْلُ اللّهِ یُؤْتیهِ مَن یَشَاءُ وَاللّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِیمِ» (۴)

این فضل خداست که آن را به هرکس بخواهد عطا میکند، و خدا دارای فضل بزرگ است.

و در آیات مختلفی فضل با صفت عظیم یا کبیر آمده،

۱- نساء (۴): ۱۴۷.

۲- ابراهیم (۱۴): ۷.

۳- بقره (۲): ۱۰۵ و آل عمران (۳): ۷۴.

۴- حدید (۵۷): ۲۱.

که این نشانه نهایت احسان و رحمت الهی و موجب امیدواری به ساحت اقدس ربوبی است.(۱)

خداوند انسانها را دعوت مینماید، که به دامن فضل و رحمت حق پناه برند.

«وَاللّهُ یَعِدُکُم مَغْفِرَةً مِنْهُ وَفَضْلاً وَاللّهُ واسِعٌ عَلِیمٌ» (۲)

و خدا شما را از سوی خود وعده آمرزش و فزونی رزق میدهد؛ و خدا بسیار عطا کننده و داناست.

«قُلْ بِفَضْلِ اللّهِ وَبِرَحْمَتِهِ فَبِذالِکَ فَلْیَفْرَحُو» (۳)

بگو: [این موعظه، دارو، هدایت و رحمت] به فضل و رحمت خداست، پس باید مؤمنان به آن شاد شوند.

فضل خداوند تمام عالمیان را فرا میگیرد،

و در آیات مختلف به این اشاره شده است که خداوند «ذُو فَضْلٍ عَلَی الْعَالَمِینَ» خدا نسبت به جهانیان دارای فضل و احسان است. (۴)

و «لَذُو فَضْلٍ عَلَی النَّاسِ» خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است.؛ (۵)

و «ذُو فَضْلٍ عَلَی الْمُؤْمِنِینَ» و خدا بر مؤمنان دارای فضل است.(۶)

باید توجه نمود که فضل کبیر و نهایت فضل مخصوص مؤمنین است.

«وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِینَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللّهِ فَضْلاً کَبِیراً»(۷)

و مؤمنان را مژده ده که برای آنان از سوی خدا فضل بزرگی خواهد بود.

شرط متنعم شدن از چنین فضل خاصی که سفره ویژه خداوند است، ایمان حقیقی و تمسک جستن به ذات باری تعالی است.

«فَأَمَّا الَّذِینَ آمَنُو بِاللّهِ وَاعْتَصَمُو بِهِ فَسَیُدْخِلُهُمْ فِی رَحْمَهٍ مِنْهُ وَفَضْلٍ وَیَهْدِیهِمْ إِلَیْهِ صِرَاطاً مُسْتَقِیماً»

اما کسانی که به خدا ایمان آوردند و به او تمسّک جستند، به زودی آنان را در رحمت و فضلی از سوی خود درآورد، و به راهی راست به سوی خود راهنمایی میکند.(۸)

با امیدواری به فضل و کرم خداوند و تلاش و کوشش در انجام تکالیف شرعی و عمل به دستورات ائمه معصومین

۱- فضـل عظیم پروردگـار مهربان در آیات بقره (۲): ۱۰۵؛ انفال (۸): ۲۹، حدید (۵۷): ۲۱ و ۲۹؛ نساء (۴): ۱۱۳؛ آل عمران (۳): ۱۷۴. و فضل کبیر او نیز در آیات: فاطر (۳۵): ۳۲؛ شوری (۳۲): ۲۲؛ احزاب (۳۳): ۴۷، مطرح شده است.

۲- بقره (۲): ۲۶۸.

۳- یونس (۱۰): ۵۸.

۴- بقره (۲): ۲۵۱.

۵- بقره (۲): ۲۴۳.

۶- آل عمران (۳): ۱۵۲.

۷- احزاب (۳۳): ۴۷.

۸- نساء (۴): ۱۷۵.

علیهم السلام و متخلق شدن به اخلاق ایشان، انسان، مشمول فضل و رحمت و کرامت و رأفت حضرت رب العالمین و اکرم الاکرمین خواهد شد.

اگر بنده ای با فضل پروردگار مواجه گردد و در دریای رحمت او غرق شود، به سعادت خواهد رسید.

رحمت الهی نسیم با برکتی است که بر سرزمین دلها می وزد و شوره زار آن را گلستان میکند و کام بنده را شیرین مینماید،

چنانکه امام صادق علیه السلام فرموده اند که بعد از هر فریضه با این دعا بخشش و رحمت و مغفرت را از خداوند طلب نمایید:

«إِلاهی أَذِقْنی بَرْدَ عَفْوِکَ وَحَلاوَهَ رَحْمَتِکَ وَمَغْفِرَتِکَ».

پروردگارا، خنکای بخشش و شیرینی رحمت و مغفرتت را به من بچشان.

(۱)

از آیات و روایات استفاده میشود که مردم مؤمن و تائب، در روز قیامت مشمول رحمتند، و پرونده گناه آنان در برابر کسی گشوده نمیشود، و خدای مهربان، گناهانشان را از یاد شاهدان میبرد، و آبروی آنان را حفظ مینماید.

پس باید با وجود صفات حلم و رأفت و رحمت پروردگار، به عنایت و محبتش چشم دوخت و امیدوار به فضل و کرمش بود.

مهر و محبّت خداوند نسبت به بندگانش، و همچنین عظمت وجودی حضرت حق و پاکی بیکران آن دریای رحمت، قابلیت هضم تمامی بدیها و محو همه سیّئات را دارد.

عشقورزی حضرت حق نسبت به بندگان، که بر توبه آنان بسیار خشنود میشود، دلیل دیگری بر بخشش سریع بندگان گنهکار است، تا بتوانند در مقام بندگی خداوند قرار گیرند.

رسول مکرم اسلام صلی الله علیه و آله میفرماید:

«اللّهُ أَفْرَحُ بِتَوْبَهِ الْعَبْدِ مِنَ الظَّمْآنِ الْوارِدِ وَالْمُضِلِّ الْواجِدِ وَالْعَقِيمِ الْوالِدِ»

هرآینه شادی

۱- المصباح «کفعمی»: ۲۰، فصل ۵.

خداونـد از توبه بنـده خود، بیشتر است تـا شـادی تشـنه ای که به آب میرسـد، و گم کرده ای که گم شـده خود را می یابـد، و نازایی که بچه می آورد.(۱)

امام باقر علیه السلام نیز میفرماید:

«إِنَّ اللّهَ تَعَالَی أَشَدُّ فَرَحاً بِتَوْبَهِ عَبْدِهِ مِنْ رَجُلٍ أَضَلَّ رَاحِلَتَهُ وَزَادَهُ فِی لَیْلَهٍ ظَلْمَاءَ فَوَجَدَهَا فَاللّهُ أَشَدُّ فَرَحاً بِتَوْبَهِ عَبْدِهِ مِنْ ذَالِکَ الرَّجُلِ بِرَاحِلَتِهِ حِینَ وَجَدَهَا»

شادی خداوند از توبه بنده اش بیشتر است تا شادی مردی که در شبی تار، شتر و رهتوشه خود را گم کند، و سپس آن را بیابد.

خداوند از توبه بنده خود شادتر میشود از آن مرد که از پیدا کردن شتر و توشه خود شادمان میشود.(۲)

از شـگفتیهای فضل و رحمت و لطف و کرامت خدا به انسان، این است که وجود مقدس او، در برابر عمل اندک، عطای بسیار و فراوان میبخشد. و بنده را مورد فضل و رحمت خاص و بینهایت خود قرار میدهد.

شیخ «صدوق رحمه الله» روایت عجیبی در کتاب با عظمت ثواب الأعمال ثبت کرده است:

عَن إِسماعِیلَ بنِ یَسارٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبا عبدِ اللّهِ علیه السلام یَقُولُ: إِیّاکُم وَالکَسَلُ إِنَّ رَبَّکُم رحیمٌ یَشْکُرُ القَلیلَ،

إِنَّ الرَّجُلَ لَیُصَلّی الرَّکْعَتَیْنِ تَطَوُّعاً یُرِیدُ بِهِما وَجْهَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَیُدخِلُهُ اللّهُ بِهِما الجَنَّهَ،

وَإِنَّهُ لَیَتَصَدَّقُ بِالدِّرْهَمِ تَطَوُّعاً یُرِیدُ بِهِ وَجْهَ اللّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَیُدْخِلُهُ اللّهُ بِهِ الجَنَّهَ،

وَإِنَّهُ لَیَصُومُ الیَوْمَ تَطَوُّعاً یُرِیدُ بِهِ وَجْهَ اللّهِ فَیُدْخِلُهُ اللّهُ بِهِ الجَنَّهَ!!

اسـماعیل ابن یسار میگویـد: از حضـرت صادق علیه السـلام شـنیدم: از کسالت و سـستی بپرهیزید؛ زیرا پروردگار شـما مهربان است، و برای عمل اندک هرآینه عطای بسیار میدهد؛

مردی به دلخواه

۱- مستدرک الوسائل: ۱۲/ ۱۲۶، باب ۸۶، حدیث ۱۳۶۹۹.

۲- الکافی: ۲/ ۴۳۵، باب التوبه، حدیث ۸؛ وسائل الشیعه: ۱۶/ ۷۳، باب ۸۶، حدیث ۲۱۰۱۴.

خودش- بی آنکه بر او واجب باشد، دو رکعت نماز به جا میآورد، که قصدش به آن دو رکعت، رضای خداست، پس خدا به سبب آن دو رکعت، او را وارد بهشت میکند.

و یا درهمی را به دلخواه خود، صدقه میدهد، که قصدش از آن، رضای خداست، پس خدا به سبب آن، او را وارد بهشت میکند.

و یا روزی را به دلخواه خودش، روزه میگیرد، که قصدش از آن، رضای خداست، پس به خاطر آن، او را وارد بهشت میکند!!(۱)

با مراجعه به کتب ادعیه، روایات بسیاری در این باب وجود دارد که در مقابل عملی بسیار اندک همچون استغفار یا صلوات یا تهلیل و یا ذکری مختصر یا عملی بسیار ناچیز، ثوابهای بسیار عظیم و شگفتی در نظر گرفته شده است، که نشانه ای از فضل و کرم بینهایت خداوند کریم است.

کرامت اهل بیت علیهم السلام نمونه ای از فضل الهی

اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام خلفاء و جانشینان خداوند هستند که با تخلّق به اخلاق الهی، آیینه جمال حضرت حقند.

آنان نیز در دنیا فضل و رحمتی از خود به نمایش درآوردند که نمونه ای از کرامت و فضل الهی است.

امیر المؤمنین علیه السلام هنگامی که به منطقه صفین رسید، معاویه از هر طرف راه آب را بسته بود تا لشکریان امام در تنگنا قرار بگیرند و نتوانند آنگونه که باید بجنگند.

امام علیه السلام فرمان داد تا گروهی به سرپرستی امام حسین علیه السلام راه آب را باز کنند، آنان به محل آب حمله کردند و گماشتگان معاویه را فراری دادند. آب در اختیار ارتش اسلام قرار گرفت.

عده ای به امیر المؤمنین علیه السلام پیشنهاد کردند که

۱- ثواب الأعمال: ۳۹؛ بحار الأنوار: ۹۳/ ۲۵۳، باب ۳۰، حدیث ۱۹.

آب را به روی معاویه ببندد.

حضرت فرمود: والله این کار را نمی کنم. سپس نماینده ای نزد معاویه فرستاد که به سقّایان لشکرت بگو: آنچه میخواهند آب بردارند، آزادند!!(۱)

نامه ای عجیب از حضرت امام رضا علیه السلام

«بزنطی» که از راویان دانشمند شیعه و مورد وثوق حضرت رضا علیه السلام بود میگوید: نامه امام رضا علیه السلام به فرزندش امام جواد علیه السلام که از خراسان به مدینه ارسال شده بود را خواندم، نوشته بود:

پسرم، به من خبر رسیده که هرگاه اراده بیرون رفتن از خانه داری و سوار مرکب میشوی، خادمان تو را از درب کوچک خانه بیرون میبرند، این از بخل آنان است؛ برای اینکه خیر تو به کسی نرسد،

من از تو میخواهم- به حقی که به عنوان پدر و امام بر تو دارم،- رفت و آمدت از درب بزرگ باشد، وقت رفت و آمد هم درهم و دینار با خود بردار، تا هرکس از تو خواست به او عنایت کنی،

اگر عموهایت خواستند کمتر از پنجاه دینار نده و اضافه تر از آن را هم آزادی بپردازی، و اگر عمه هایت خواستند، کمتر از بیست و پنج درهم مده، اگر خواستی بیشتر بپردازی آزادی.

من میخواهم خدا تو را مقام و مرتبه عنایت کند، انفاق کن و از سوی صاحب عرش، تنگ دستی و نداری را مترس!(۲)

جایی که اولیای حق اینگونه سفره رحمت و لطف خود را به روی بندگان بگشایند، خدا چگونه لطف و رحمت خود را خواهد گشود؟

بخشی از دعای کمیل و خطابی محبت آمیز از سوی خداوند به بندگان

امیر المؤمنین علیه السلام در بخشی از دعا به پیشگاه خدا عرضه می دارد:

«هَيْهَاتَ أَنْتَ أَكْرَمُ مِنْ أَنْ تُضَيِّعَ

ص: ۵۶

۱- وقعه صفین: ۱۵۷- ۱۷۰.

۲- عیون أخبار الرضا علیه السلام: ۲/ ۸، حدیث ۲۰؛ الکافی: ۴/ ۴۳، باب الانفاق، حدیث ۵؛ وسائل الشیعه: ۹/ ۴۶۳، باب ۴۳، حدیث ۱۲۵۰۴.

مَنْ رَبَّيْتَهُ، أَوْ تُبَعِّدَ مَنْ أَدْنَيْتَهُ، أَوْ تُشَرِّدَ مَنْ آوَيْتَهُ، أَوْ تُسَلِّمَ إِلَى الْبَلَاءِ مَنْ كَفَيْتَهُ وَرَحِمْتَهُ».

تو بزرگوارتر از آن هستی که دست پرورده ات را تباه کنی، یا آن را که به خود نزدیک نموده ای و از مقام قرب خود بهره مندش ساخته ای دور نمایی، یا آن را که پناه دادی از خود برانی، یا کسی را که خود کفایت کرده ای و به او رحم نموده ای، به امواج بلا و گرفتاری واگذاری.

خداوندا، تو چنان مهربانی و آن قدر کریم و بزرگواری که در خطابی به انسان با داشتن لغزشها و گناهان بسیارش فرموده ای:

«نَادَيتُمُونِی فَلَبَّيتُکُم، سَأَلتُمونِی فَأَعطَيتُکُم، بَارَزتُمُونِی فَأَمهَلتُکُم، تَرَکتُمُونِی فَرَعيتُکُم، عَصَيتُمُونِی فَسَتَرتُکُم، فَإِن رَجَعتُم إِلَيَّ قَبِلتُکُم، وَإِن أَدبَرتُم عَنِّی انتَظَرتُکُم.

أَنَا أَجوَدُ الأَجوَدِينَ وَأَکرَمُ الأَکرَمِينَ وَأَرحَمُ الرّاحِمِينَ».

مرا خواندید به شما جواب دادم، از من خواستید به شما عطا کردم، با من به مخالفت برخاستید به شما مهلت دادم، مرا ترک کردید شما را رعایت نمودم، مرا معصیت کردید من نسبت به شما پرده پوشی نمودم،

اگر به سویم باز گردید، شما را میپذیرم، و اگر به من پشت کردید، به انتظار بازگشت شما میمانم.

من بخشنده ترین بخشندگان، و کریمترین کریمان، و مهربانترین مهربانانم.(۱)

محرومیّت ها نتیجه اعمال خود انسان

خدای متعال، هرگز حقی را ضایع نمیکند و پناه آورده ای را نمیراند و کسی که به او توکّل نموده است را به بلایی دچار نمیکند.

تمام ضایع شدن ها، دور شدن ها و هجوم بلاها، نتیجه عمل انسان است؛ چرا که خدای متعال هرگز با بنده ای خصومت و دشمنی ندارد.

در قرآن کریم به این مطلب تصریح شده است:

۱- کشف الاسرار: ۳/ ۳۷۴.

إِنَّ اللّهَ لا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئاً وَلاكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ» (۱)

یقیناً خدا هیچ ستمی به مردم روا نمی دارد، ولی مردم [با رویگردانی از حق] بر خود ستم میورزند.

و در آیه ای دیگر میفرماید:

«وَ اصْبِرْ فَإِنَّ اللّهَ لا يُضيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنينَ» (۲)

و شکیبایی کن که یقیناً خدا پاداش نیکوکاران را تباه نمیکند.

امیر المؤمنین علیه السلام در روایتی زیبا میفرماید:

«مَا زَالَتْ نِعْمَةٌ وَلا نَضَارَةُ عَيْشٍ إِلّا بِذُنُوبٍ اجْتَرَحُو إِنَّ اللّهَ لَيْسَ بِظَلّامٍ لِلْعَبِيدِ وَلَوْ أَنَّهُمُ اسْتَقْبَلُو ذالِكَ بِالدُّعَاءِ وَالْانَابَهِ لَمْ تَزُلْ»

هیچ نعمتی و نشاط زندگانی زایل نشده مگر به واسطه گناهانی که مرتکب شده اند.

و به راستی که خداوند به بندگان ستم نمیکند،

و اگر آنان پیش از آن، دعا میکردند و با توبه به خدای خود باز میگشتند، نعمت و زندگی از دست آنها نمیرفت.(۳)

حضرت زینب کبری علیهما السلام در مجلس یزید فرمود:

«وَمَا اللّهُ بِظَلّامٍ لِلْعَبِيدِ وَإِلى اللّهِ الْمُشْتَكى وَ الْمُعَوَّلُ وَإِلَيْهِ الْمَلْجَأُ وَ الْمُؤَمَّلُ».

خداوند ظلم کننده به بندگان نیست، و محل شکایت و تکیه گاه و پناهگاه و محل امید به سوی اوست.(۴)

شکایت به دوست و نوازشها و الطاف حق

همه فقیر و نیازمند تو اند.

تویی که کلید حلّ همه مشکلات در اختیار توست.

تویی که قدرت بینهایتی و با یک اشاره ات، همه دردها به درمان میرسد.

تویی که مشکلات مشکل داران را حل میکنی و سختی و رنج گرفتاران را برطرف مینمایی.

تویی که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام به پیشگاهت مینالید و چون چشمه فصل بهاران به درگاهت اشک میریخت و میگفت:

«اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ الْهُدی وَالتُّقی وَالْعَفَافَ وَالْغِنی وَالْعَمَلَ بِمَا تُحِبُّ وَتَرْضی

اللّهُمَّ إِنِّی أَسْأَلُکَ مِنْ قُوَّتِکَ لِضَعْفِنَا وَمِنْ غِنَاکَ

ص: ۵۸

۱- یونس (۱۰): ۴۴.

۲- هود (۱۱): ۱۱۵.

۳- الخصال: ۲/ ۶۲۴؛ مستدرک الوسائل: ۷/ ۱۷۸.

۴- بحار الأنوار: ۴۵/ ۱۶۰، باب ۳۹.

لِفَقْرِنَا وَفَاقَتِنَا وَمِنْ حِلْمِکَ وَعِلْمِکَ لِجَهْلِنَا

اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَعِنَّا عَلَی شُکْرِکَ وَذِکْرِکَ وَطاعَتِکَ وَعِبَادَتِکَ بِرَحْمَتِکَ یَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».(۱)

خدایا، (از تو خواسته هایی دارم که فقط تو میتوانی عنایت کنی). از تو هدایت و تقوا و عفاف و بینیازی و عمل به آنچه که دوست داری و به آن خشنود میشوی میخواهم.

خدایا، از تو برای ناتوانیمان قدرت، و برای تهیدستیمان ثروت، و برای نادانیمان از حلم و علم تو درخواست داریم.

خدایا، بر محمد و آل محمد درود فرست، و ما را بر سپاسگزاری و یاد و طاعت و عبادتت یاری ده، به مهربانی ات ای مهربانترین مهربانان.

حضرت امیر المؤمنین علی علیه السلام میفرماید:

«إِذَا ضَاقَ الْمُسْلِمُ فَلَا یَشْکُوَنَّ رَبَّهُ وَ لاکِنْ یَشْکُو إِلَیْهِ فَإِنَّ بِیَدِهِ مَقَالِیدَ الْأُمُورِ وَ تَدْبِیرَهَا فِی السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرَضِینَ وَ مَا فِیهِنَّ».

چون مسلمان به تنگنای افتد نباید از خدا شکوه کند، بلکه به خدا (از گرفتاری) شکایت کند، که کلید همه کارها و تدبیر امور در آسمانها و زمین و آنچه در آنهاست به دست اوست.(۲)

بخش اول خطبه یکصد و نهم نهج البلاغه امیر المؤمنین علی علیه السلام، به بیان قدرت الهی و عظمت بیمانند او پرداخته است؛ ایشان میفرماید:

«کُلُّ شَیْ ءٍ خَاشِعٌ لَهُ وَکُلُّ شَیْ ءٍ قَائِمٌ بِهِ غِنَی کُلِّ فَقِیرٍ وَعِزُّ کُلِّ ذَلِیلٍ وَقُوَّهُ کُلِّ ضَعِیفٍ وَمَفْزَعُ کُلِّ مَلْهُوفٍ...»

همه چیز فروتن برای او و هر چیزی قائم به اوست؛ بینیازی هر نیازمند، و عزّت هر ذلیل، و قدرت هر ناتوان، و پناهگاه هر ستم رسیده است.

پروردگارا، تویی که حضرت ابراهیم علیه السلام آن قهرمان توحید، با فرزندش اسماعیل علیه السلام پس

۱- بحار الأنوار: ۸۷/ ۳۳۹، باب ۹، حدیث ۵۳ «یوم الخمیس.»

۲- الخصال: ۲/ ۶۲۴؛ تحف العقول: ۱۱۴.

از ساختن بنای کعبه دست نیاز به سویت برداشتند و با کمال خضوع و خشوع حقایقی را از تو درخواست کردند که هیچکس جز تو قدرت عطا کردنش را به آنان نداشت:

«وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّکَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ*

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمَيْنِ لَکَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُسْلِمَةً لَکَ وَأَرِنَا مَنَاسِکَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّکَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ*

رَبَّنَا وَابْعَثْ فِيهِمْ رَسُولاً مِنْهُمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِکَ وَيُعَلِّمُهُمُ الْکِتَابَ وَالْحِکْمَةَ وَيُزَکِّيهِمْ إِنَّکَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَکِيمُ».(۱)

پروردگارا، کار ساختن کعبه را از ما بپذیر، زیرا تو شنوا(ی دعای ما) و آگاه (به اخلاص ما) هستی.

پروردگارا، ما دو بنده تسلیمیم، و از ذرّیه ما امتی را تسلیم خود قرار ده، و مناسک ما را به ما بنمایان، و توبه ما را بپذیر، زیرا تو بسیار توبه پذیر و مهربانی.

پروردگارا، در میان مردم این منطقه پیامبری را از خودشان برانگیز، که آیاتت را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد، و از آلودگی فکری و روحی پاکشان کند، زیرا تو توانای شکست ناپذیر و حکیمی.

تویی که نوح علیه السلام پس از نهصد و پنجاه سال- که انواع آزارها را از قومش به خاطر تو تحمل کرد- شکایت به حضرتت آورد، و تو با قدرت و سطوتت، از آسمان آب نازل کردی، و از زمین آب جوشاندی، و همه دشمنان را- با غرق کردنشان- هلاک کردی، و نوح علیه السلام و مؤمنان همراهش را نجات بخشیدی.

تویی که در جنگ بدر- که عدد و ساز و برگ مؤمنان یکسوم دشمنان بود، و ظاهر کار نشان میداد که پیروزی قطعی با دشمن،

۱- بقره (۲): ۱۲۷/ ۱۲۹.

و شکست حتمی با ارتش اسلام است،- مؤمنان را به دعای پیامبر صلی الله علیه و آله بر دشمنان پیروز کردی.

اکنون از بلاها و مصائب و گرفتاریها و رنجها به تو شکایت میکنم.

تویی که با یک نظر، همه بلاها و مصائب را از من برطرف میکنی، و زمینه آسانی و آسایش و راحت و استراحت را برایم فراهم میآوری.

تویی که هر پیامبری، هر امامی، هر مؤمنی، هر تائبی و هر بلا کشیده ای، از آنچه به آن گرفتار بود و شکایت و ناله و زاری و گریه به درگاهت آورد، او را پناه دادی، و نوازشش نمودی، و از گرفتاری نجاتش دادی، و زمینه راحت و استراحت را برایش فراهم ساختی.

کدام دردمند به دربارت آمد، که دردش را دوا نکردی؟،

کدام نیازمند به پیشگاهت آمد، که نیازش را برطرف نساختی؟

کدام حاجت مند به نزدت آمد، که حاجتش را برآورده ننمودی؟

کدام تهیدست به حضرتت مراجعه کرد، که از فضل و احسانت به او نبخشیدی؟

کدام دعاکننده به محضرت آمد، که دعایش را مستجاب نکردی؟

کدام گرفتار و مشکلدار به تو رجوع کرد، که گرفتاری و مشکلش را برطرف نساختی؟

کدام تائب به سوی تو بازگشت، که توبه اش را نپذیرفتی؟

حضرت علی علیه السلام فرمود:

بُكاءُ العُيُونِ وَخَشيَهُ القُلوبِ مِن رَحمَهِ اللّهِ تَعالی ذِكْرُهُ، فَإِذا وَجَدتُمُوهَا فَاغْتَنِمُو الدُّعاءَ.

گریه دیده ها و ترس دلها، از رحمت خداست، چون آن را یافتید دعا را غنیمت بشمارید، (زیرا دعای همراه با گریه و ترس مستجاب است).(۱)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود:

مَا مِن شَیْ ءٍ إِلّا وَلَهُ كَيلٌ أَو وَزنٌ إِلّا الدُّموعَ، فَإِنَّ

۱- مکارم الأخلاق: ۳۱۷، فی البکاء؛ میزان الحکمه: ۲/ ۵۳۶، باب البکاء، حدیث ۱۸۳۵.

الْقَطرَهَ مِنهَا تُطْفِئُ بِحاراً مِن نارٍ، وَإِذا اغْرَوْرَقَتِ الْعَينُ بِمائِها لَم يَرْهَق وَجْهَه قَتَرٌ وَلَا ذِلَّهٌ، فَإِذا فاضَت حَرَّمَهُ اللّهُ عَلَى النّارِ، وَلَوْ أَنَّ باكياً بَكى فى أُمَّهٍ لَرُحِمُو.

چیزی نیست مگر آنکه برای آن کیل و وزنی است، مگر اشکها، که قطره ای از آن، دریایی از آتش را خاموش میکند؛

هنگامی که دیده اشکش را جاری کند، چهره صاحبش را سختی و ذلت نرسد، و چون بجوشد، خدا آنچهره را بر آتش حرام میکند، و اگر گریه کننده ای در امّتی بگرید، هر آینه به تمام آن امت رحم خواهد شد.(۱)

درد فراق را باید از فراق کشیده پرسید،

درد فراق را آدم علیه السلام چشید که به خاطر نزدیک شدن به درخت ممنوعه، از جایگاه والایی چون ملکوت و از همنشینی با فرشتگان و از ادامه زندگی در بهشت و از مقام قرب حق محروم شد!

درد فراق را ایوب علیه السلام چشید که اهل و مال و ثروت و مکنت و عافیت بدنش، به خاطر آزمایش الهی از دستش رفت.

درد فراق را یونس علیه السلام چشید که از فضای وسیع جهان محروم و به زندان شکم ماهی گرفتار شد.

درد فراق را یعقوب علیه السلام چشید که از دوری محبوبش، آنقدر گریه کرد که دو چشمش سپید شد.

درد فراق را یوسف علیه السلام چشید که از پدر مهربانی چون یعقوب دور افتاد و به قعر چاه و زندان گرفتار شد.

ولی خدای مهربان درد فراق آدم علیه السلام را با توبه آدم علیه السلام درمان کرد،

درد فراق ایوب علیه السلام را به رسیدن به وصال آنچه از دستش رفته بود

۱- الکافی: ۲/ ۴۸۱، باب البکاء، حدیث ۱؛ بحار الأنوار: ۹۰/ ۳۳۱، باب ۱۹، حدیث ۱۴؛ میزان الحکمه: ۲/ ۵۳۸، باب البکاء، حدیث ۱۸۴۱.

دوا کرد،

درد فراق یونس علیه السلام را به نجات از شکم ماهی علاج نمود،

و درد فراق یعقوب و یوسف علیهما السلام را به رساندنشان به یکدیگر درمان کرد.

نفی همه نا امیدیها از درگاه الهی و چاره نا امیدان

خداوند، نا امیدی را حتی از سوی اسرافکاران و گناهکاران نیز نمی پسندد:

«قُلْ یَا عِبَادِیَ الَّذِینَ أَسْرَفُو عَلَی أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُو مِن رَحْمَهِ اللّهِ إِنَّ اللّهَ یَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِیعاً إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِیمُ»(۱)

بگو ای بندگان من که [با ارتکاب گناه] بر خود زیاده روی کردید، از رحمت خدا نومید نشوید، یقیناً خدا همه گناهان را میآمرزد؛ زیرا او بسیار آمرزنده و مهربان است.

خداوند، نا امیدی مؤمن را نمی پسندد؛ چرا که این وصف، با ایمان حقیقی سازگار نیست.

حضرت ابراهیم علیه السلام آن موحد تاریخساز میفرماید:

«وَمَنْ یَقْنَطُ مِن رَحْمَهِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ» (۲)

چه کسی جز گمراهان، از رحمت پروردگارش نا امید میشود؟!

همانگونه که حضرت یعقوب علیه السلام نیز خطاب به فرزندان خویش میفرمود:

«وَلَا تَیْأَسُو مِن رَوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لَا یَیْأَسُ مِن رَوْحِ اللّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْکَافِرُونَ» (۳)

و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا کسی جز مردم کافر، از رحمت خدا مأیوس نمیشوند.

انسان، هرگاه به بلاها و مصیبتهایی که سبب آن نیز خود اوست برمی خورد، مأیوس و نا امید میگردد، و حمایتهای الهی را که لازمه ایمان حقیقی است باور ندارد:

«وَإِن تُصِبْهُمْ سَیِّئَهٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَیْدِیهِمْ إِذَا هُمْ یَقْنَطُونَ» (۴)

و چون به سبب گناهانی که مرتکب شده اند، آسیب و گزندی به آنان رسد، ناگهان نا امید میشوند.

چنانکه به سبب دوری از خداوند و گرفتاری به معاصی، نا امیدی پیش آید، باید دانست که توبه و استغفار چاره کار است.

۱- زمر (۳۹): ۵۳.

۲- حجر (۱۵): ۵۶.

۳- یوسف (۱۲): ۸۷.

۴- روم (۳۰): ۳۶.

میر المؤمنین علی علیه السلام میفرماید:

«عَجِبتُ لِمَن یقنَطُ وَمَعُهُ الإسْتِغفار».

در شگفتم از کسی که استغفار همراه اوست و (با این حال) نا امید میشود».(۱)

چنان که میفرماید: «لا تَیأَس لِذَنبِک وبابُ التَوبهِ مفتوحٌ»

به سبب گناهی که مرتکب شده ای نا امید مشو ،و حال آنکه در توبه باز است.(۲)

رابطه میان خداوند و مخلوقاتش، رابطه ای عاشقانه است، و هرچند این ارتباط و قداستش از سوی بندگان مورد غفلت باشد، ولی حضرت حق به آنان توجّه خاصی دارد و چیزی جز خیر برای بندگانش نمی خواهد.

خوش گمانی و امید به خداوند

چه جای نا امیدی است از خدایی که برای نجات بنده اش دنبال بهانه ای است هرچند کوچک.

«عَنْ أَبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ الْفَقِیرَ لَیَقُولُ یَا رَبِّ ارْزُقْنِی حَتَّی أَفْعَلَ کَذَا وَکَذَا مِنَ الْبِرِّ وَوُجُوهِ الْخَیْرِ فَإِذَا عَلِمَ اللّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذالِکَ مِنْهُ بِصِدْقِ نِیَّهٍ کَتَبَ اللّهُ لَهُ مِنَ الأَجْرِ مِثْلَ مَا یَکْتُبُ لَهُ لَوْ عَمِلَهُ إِنَّ اللّهَ وَاسِعٌ کَرِیمٌ».(۳)

از امام صادق علیه السلام روایت شده:

بنده مؤمن تهیدست میگوید: پروردگارا، به من رزق و روزی عطا کن تا از خوبی و نیکی و برنامه های خیر چنین و چنان کنم.

چون خدا نیت او را در این زمینه، نیت صادقانه بداند، پاداش را به مانند اینکه همه موارد نیتش را عمل کرده برای او در پرونده اش ثبت میکند؛ زیرا خدا گشایش دهنده و کریم است.

انسانی که تا حدّی از ایمان و عمل صالح و اخلاق حسنه برخوردار است، و قصد دارد تا پایان عمر، حرکت و تلاشش را در راه حق ادامه دهد، باید به الطاف و عنایات و رحمت و مغفرت حق،

۱- نهج البلاغه: حکمت ۸۷.

۲- تحف العقول: ۲۱۴؛ بحار الأنوار: ۷۵/ ۵۳، باب ۱۶، حدیث ۸۷.

۳- الکافی: ۲/ ۸۵، باب النیّه، حدیث ۳؛ وسائل الشیعه: ۱/ ۴۹، باب ۶، حدیث ۹۳؛ محجّه البیضاء: ۸/ ۱۰۶، کتاب النیّه و الصدق و الاخلاص.

گمان نیک و حسن ظن داشته باشد؛

به این معنا که در حال ترس از مواقف قیامت، به خود نوید واقعی و امید حقیقی دهد که:

مولا-یش هنگـام مرگ و در جهـان برزخ و به ویژه در عرصه قیـامت، کریمـانه بـا او معـامله خواهـد کرد، و از گناهش خواهد گذشت، و تلاش و کوشش دینیش را میپذیرد، و درهای بهشت را به رویش میگشاید، و او را با اولیایش محشور میکند.

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حسن ظن فرمود:

لَا یَمُوتَنَّ أَحَدُکُم حَتَّی یَحْسُنَ ظَنُّهُ بِاللّهِ عَزَّ وَجَلَّ؛ فَإِنَّ حُسْنَ الظَّنِّ بِاللّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَمَنُ الجَنَّهِ.

هیچیک از شما از دنیا نرود مگر اینکه به خدا حسن ظنّ ورزد، زیرا حسن ظن به خدای عز و جلّ، بهای بهشت است.(۱)

رسول خدا صلی الله علیه و آله درباره حسن ظن فرمود:

وَالَّذِی لَا إِلاهَ إِلَّا هُوَ، لَا یَحسُنُ ظَنُّ عَبدٍ مُؤمِنٍ بِاللّهِ إِلَّا کَانَ اللّهُ عِندَ ظَنِّ عَبْدِهِ المُؤمِنِ؛

لِأَنَّ اللّهَ کَرِیمٌ بِیَدِهِ الخَیرَاتُ، یَسْتَحیِی أَن یَکونَ عَبدُهُ المُؤمِنُ قَد أَحْسَنَ بِهِ الظَّنَّ ثُمَّ یُخلِفُ ظَنَّهُ وَرَجاهُ،

فَأَحسِنُو بِاللّهِ الظَّنَّ وَارْغَبُو إِلَیْهِ.

سوگند به آنکه معبودی جز او نیست، گمان عبد مؤمن به خدا نیکو نمیشود مگر اینکه خدا نزد گمان بنده مؤمن خود است،

زیرا خـدا کریم است و همه خوبیها به دست اوست، حیا میکند از اینکه بنده مؤمنش گمان نیک به او برد، آنگاه گمان نیک و امیدش را تخلّف کند،

پس به خدا گمان نیک برید و به سوی او مشتاق شوید.(۲)

«عَنْ أَبِی عَبْدِ اللّهِ علیه السلام قَالَ: إِنَّ آخِرَ عَبْدٍ یُؤْمَرُ بِهِ إِلَی النَّارِ فَیَلْتَفِتُ فَیَقُولُ اللّهُ عَزَّوَجَلَّ أَعْجِلُوهُ فَإِذَا

۱- الأمالی «طوسی»: ۳۷۹، حدیث ۸۱۴؛ میزان الحکمه: ۷/ ۳۴۰۰، باب الظن، حدیث ۱۱۵۸۲.

۲- الکافی: ۲/ ۷۱، باب حسن الظن، حدیث ۲؛ میزان الحکمه: ۷/ ۳۴۰۰، باب الظن، حدیث ۱۱۵۸۱.

أَتِیَ بِهِ قَالَ لَهُ: عَبْدِی لِمَ الْتَفَتَّ فَیَقُولُ: یَا رَبِّ مَا کَانَ ظَنِّی بِکَ هذَا فَیَقُولُ اللّهُ جَلَّ جَلالُهُ عَبْدِی وَمَا کَانَ ظَنُّکَ بِی فَیَقُولُ: یَا رَبِّ کَانَ ظَنِّی بِکَ أَنْ تَغْفِرَ لِی خَطِیئَتِی وَتُدْخِلَنِی جَنَّتَکَ

فَیَقُولُ اللّهُ: مَلائِکَتِی وَعِزَّتِی وَجَلالِی وَبَلائِی وَارْتِفَاعِ مَکَانِی مَا ظَنَّ بِی هَذَا سَاعَةً مِنْ حَیَاتِهِ خَیْراً قَطُّ وَلَوْ ظَنَّ بِی سَاعَةً مِنْ حَیَاتِهِ خَیْراً مَا رَوَّعْتُهُ بِالنَّارِ

أَجِیزُو لَهُ کَذِبَهُ وَأَدْخِلُوهُ الْجَنَّهَ.

ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللّهِ علیه السلام:

مَا ظَنَّ عَبْدٌ بِاللّهِ خَیْراً إِلّا کَانَ عِنْدَ ظَنِّهِ بِهِ وَذَالِکَ قَوْلُهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَذالِکُمْ ظَنُّکُمُ الَّذِی ظَنَنْتُمْ بِرَبِّکُمْ أَرْداکُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخاسِرِینَ»». (۱)

(۲)

امام صادق علیه السلام میفرماید:

در روز قیامت، آخرین بنده ای که به او دستور ورود به آتش داده میشود و به سوی دوزخ روانه میگردد، روی خود را برمیگرداند. پس خداوند به فرشتگان خود فرمان میدهد که او را باز گردانید. و سپس از او میپرسد: بنده من، چرا رویت بر گرداندی؟

بنده پاسخ میدهد: پروردگارا، چنین گمانی نسبت به تو نداشتم.

خداوند از او میپرسد: بنده من، درباره من چه گمان میکردی؟،

میگوید: گمان میکردم که از گناهم درگذری و مرا در بهشت خود جای دهی.

پس خداوند فرماید: ای فرشتگان من، به عزّتم و جلالم و نعمتهایم و بلاهایم و والایی مقامم سوگند، که این بنده هیچگاه در طول زندگی خود نسبت به من گمان خیری نداشت،

و اگر حتی ساعتی در تمام عمرش نسبت به من گمان خیر داشت، او را [به همین مقدار اندک نیز] به آتش دوزخ هراسناک نمی کردم، اینک از سخن دروغ او درگذرید و او را وارد بهشت کنید.

سپس امام صادق علیه السلام فرمود:

هیچ بنده ای نیست که به خدا گمان خیر داشته باشد و به لطف الهی امیدوار باشد، مگر آنکه، خداوند همان گونه که گمان کرده رفتار مینماید،

و این کلام خدای بزرگ است که میفرماید: «و این، همان گمانی است که شما درباره پروردگار خویش داشتید، که مایه بدبختی و نابودی شما شد، و در زمره زیانکاران درآمدید.»

درخواست بهره فراوان از تمام نعمتها و خیرات در ادعیه

امیر المؤمنین امام علی علیه السلام در دعای کمیل میفرماید:

«وَأَنْ تُوَفِّرَ حَظّی مِنْ کُلِّ خَیْرٍ أَنْزَلْتَهُ، أَوْ إِحْسانٍ فَضَّلْتَهُ، أَوْ بِرٍ نَشَرْتَهُ، أَوْ رِزْقٍ بَسَطْتَهُ، أَوْ ذَنْبٍ تَغْفِرُهُ، أَوْ خَطَأٍ تَسْتُرُهُ.»

از تو میخواهم که نصیب مرا از هر خیری که نازل کردی، یا احسانی که تفضّل فرمودی، یا نیکی و برّی که منتشر ساختی، یا رزقی که میگسترانی، یا گناهی که میآمرزی، یا خطایی که میپوشانی، کامل قرار دهی.

این مطلب در دعاهای دیگر اهل بیت علیهم السلام نیز دیده میشود.

مرحوم «کفعمی رحمه الله» در البلد الأمین و «سید ابن طاووس رحمه الله» در کتاب شریف اقبال الأعمال برای روز نوزدهم ماه مبارک رمضان از قول امام زین العابدین علیه السلام چنین دعایی نقل میکنند:

«اللّهُمَّ وَفِّرْ فیهِ حَظّی مِنْ بَرَکاتِهِ، وَسَهِّلْ سَبیلی الی حِیازَهِ خَیْراتِهِ»

پروردگارا، بهره مرا از برکات این روز فراوان، و راه مرا برای به دست آوردن خیرات این روز آسان گردان.(۳)

آنگونه که از یکی از دعاهای ماه مبارک رمضان استفاده میشود، بهره مندی کامل بنده، در گرو چند مطلب است:

اول: مرتبط بودن با حضرت حق از طریق دعا؛

دوم: قابلیت یافتن برای دریافت خیر و رحمت الهی؛

سوم: توفیق بندگی و انجام صحیح فرمانهای حضرت حق؛

و چهارم: رهایی از بند گناهان، که مانع اصلی انسان از رسیدن به برکات الهی اند.

«اللّهُمَّ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاجْعَلْ دُعَائِی فیهِ إِلَیْکَ وَاصِلاً، وَرَحْمَتَکَ وَخَیْرَکَ إِلَیَّ فیهِ نَازِلاً وَعَمَلِی فیهِ مَقْبُولاً وَسَعْیِی فیهِ مَشْکُوراً، وَذَنْبِی فیهِ مَغْفُوراً، حَتَّی یَکُونَ نَصِیبِی فیهِ الْأَکْثَرَ، وَحَظِّی فیهِ الْأَوْفَرَ».(۴)

امیر المؤمنین علی علیه السلام می فرمایند:

«لَیْسَ الْخَیْرَ أَنْ یَکْثُرَ مَالُکَ وَوَلَدُکَ وَلاکِنَّ

۱- فصّلت: (۴۱): ۲۳.

۲- ثواب الأعمال: ۱۷۳؛ وسائل الشیعه: ۱۵/ ۲۳۱، باب ۱۶، حدیث ۲۰۳۵۴.

۳- اقبال الأعمال: ۱۹۰؛ البلد الأمین: ۲۲۱.

۴- التهذیب: ۳/ ۱۱۳؛ بحار الأنوار: ۹۴/ ۳۵۹، باب ۳، ذیل حدیث ۱.

الْخَيْرَ أَنْ يَكْثُرَ عِلْمُكَ وَأَنْ يَعْظُمَ حِلْمُكَ وَأَنْ تُبَاهِيَ النَّاسَ بِعِبَادَهِ رَبِّكَ فَإِنْ أَحْسَنْتَ حَمِدْتَ اللّهَ وَإِنْ أَسَأْتَ اسْتَغْفَرْتَ اللّهَ.

وَ لا خَيْرَ فِي الدُّنْيا إِلّا لِرَجُلَيْنِ رَجُلٍ أَذْنَبَ ذُنُوباً فَهُوَ يَتَدَارَكُهَا بِالتَّوْبَهِ وَرَجُلٍ يُسَارِعُ فِي الْخَيْرَاتِ.»

خیر، افزون شدن مال و فرزند نیست، بلکه خیر آن است که دانشت زیاد، و بردباریت بزرگ گردد، و به بندگی پروردگارت به مردم مباهات نمایی، پس اگر خوبی کردی خدا را شکر کنی، و اگر بدی نمودی به طلب مغفرت برخیزی.

خیری در دنیا نیست مگر برای دو نفر؛ مردی که مرتکب گناهانی شده و با توبه جبران نماید، و مردی که به جانب کارهای خیر میشتابد.(۱)

نیکیها و احسان حضرت حق را نمیتوان چیزی جز تفضّل و مرحمت از جانب او دانست که:

«إِنَّ اللّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَاكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ» بقره (۲): ۲۴۳.

همانا خدا نسبت به مردم دارای فضل و احسان است، ولی بیشتر مردم سپاس نمی گزارند.

امام صادق علیه السلام فرمودند:

«اسْأَلُو اللّهَ الْغِنَى فِي الدُّنْيَا وَالْعَافِيَهَ وَفِي الْآخِرَهِ الْمَغْفِرَهَ وَالْجَنَّهَ».

از خداوند، بینیازی و سلامتِ در دنیا، و بخشودگی و بهشتِ در آخرت را بطلبید.(۲)

ربوبیت پروردگار، عاطفی ترین صفت او: يَا رَبِّ

عاطفی ترین صفت پروردگار متعال -که ریشه در رحمانیت و رحیمیت او دارد- «مربی» بودن خداوند متعال نسبت به بندگانش میباشد.

تردیدی نیست که هر مربی از لحاظ عاطفی، تربیت شده خویش را دوست دارد و به او عشق میورزد.

گروهی از عارفان و اولیا و عاشقان و صادقان بر این عقیده اند که کلمه مبارکه «ربّ» که به معنای مالک و صاحب اختیاری است که عاشقانه و حکیمانه مملوکش را تربیت میکند، اسم اعظم

۱- نهج البلاغه: حکمت ۹۴.

۲- وسائل الشیعه: ۱۷/ ۳۳، باب ۷، حدیث ۲۱۹۰۹.

است،

و انسان با توسل به آن، مورد رحمت حق قرار میگیرد، و گره ها از کارش گشوده میشود، و بلکه گناهانش مورد آمرزش و معاصی و خطاهایش با آب آمرزش شسته و پاک میگردد.

شاید راز توسل همه انبیا و امامان، در هنگام دعا و مناجات و راز و نیاز و گرفتاری و مصیبت به این نام مبارک، این باشد که کلمه «ربّ» را اسم اعظم حق میدانستند.

آدم و حوا علیهما السلام به هنگام توبه عرضه داشتند:

«رَبَّنا ظَلَمْنا أَنْفُسَنا وَإِن لَمْ تَغْفِرْ لَنا وَتَرْحَمْنا لَنَکونَنَّ مِنَ الخاسِرینَ» (۱)

پروردگارا، ما به خود ستم ورزیدیم، و اگر ما را نیامرزی و به ما رحم نکنی، هرآینه از زیان کاران خواهیم شد.

حضرت نوح علیه السلام پس از نهصد و پنجاه سال ستم دیدن از کفار و عاجز شدن از هدایت آنان و مضطر شدن، عرضه داشت:

«رَبِّ لا تَذَرْ عَلَی الأَرْضِ مِنَ الکَافِرِینَ دَیَّاراً» (۲)

پروردگارا، احدی از کافران را بر روی زمین وا مگذار.

حضرت ابراهیم علیه السلام در دعا و مناجاتش گفت:

«رَبِّ هَبْ لِی حُکْماً وَأَلْحِقْنِی بِالصَّالِحِینَ»(۳)

پروردگارم، به من حکومت عطا کن و مرا به شایستگان ملحق فرما.

حضرت موسی علیه السلام به هنگام احتیاج و نیاز عرضه داشت:

«رَبِّ إِنِّی لِمَآ أَنْزَلْتَ إِلَیَّ مِنْ خَیْرٍ فَقِیرٌ» (۴)

پروردگارم، من به خیری که تو بر من نازل کنی، نیازمندم.

حضرت سلیمان علیه السلام در درخواست آمرزش، و یافتن حکومتی بی نظیر، عرضه داشت:

«رَبِّ اِغفِرْ لِی وَهَبْ لِی مُلْکاً لَایَنْبَغِی لِأَحَدٍ مِن بَعْدِی»(۵)

پروردگارم، مرا بیامرز و به من حکومتی که پس از من سزاوار کسی نباشد، عطا کن.

حضرت زکریا علیه السلام هنگام درخواست فرزند عرضه داشت:

«رَبِّ

ص: ۶۸

۱- اعراف (۷): ۲۳.

۲- نوح (۷۱): ۲۶.

۳- شعراء (۲۶): ۸۳.

۴- قصص (۲۸): ۲۴.

۵- ص (۳۸): ۳۵.

لَاتَذَرْنِی فَرْداً وَأَنْتَ خَیْرُ الوَارِثِینَ» (۱)

پروردگارم، مرا تنها وا مگذار و تو بهترین وارثانی.

حضرت یوسف علیه السلام در مقام شکرگزاری و درخواست حاجت، عرضه داشت:

«رَبِّ قَدْ ءاتَیْتَنی مِنَ المُلْکِ وَعَلَّمْتَنی مِن تَأْوِیلِ الأَحَادِیثِ فَاطِرَ السَّماواتِ وَالأَرْضِ أَنْتَ وَلِیِّی فِی الدُّنْیا وَالآخِرَهِ تَوَفَّنی مُسْلِماً وَأَلْحِقْنی بِالصَّالِحینَ»

پروردگارم، تو بخشی از حکومت را به من عطا کردی، و برخی از تعبیر خوابها را به من آموختی. ای آفریننده آسمانها و زمین، تو سرپرست من در دنیا و آخرتی، مرا در حال تسلیم به خودت بمیران، و به گروه شایستگانم ملحق فرما.(۲)

خداوند دعای حضرت ایوب علیه السلام در شدت بلا و مصیبت را چنین یاد میکند:

«وَأَیُّوبَ إِذْ نادی رَبَّهُ أَنِّی مَسَّنِیَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمینَ».

و ایوب را [یاد کن] هنگامی که پروردگارش را ندا داد که پریشانی و بلا به من رسیده و تو مهربانترین مهربانانی.

خداوند نیز پاسخ پیامبرش ایوب را چنین داد:

«فَاسْتَجَبْنا لَهُ فَکَشَفْنا ما بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَآتَیْناهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَهً مِنْ عِنْدِنا وَذِکْری لِلْعابِدینَ»

پس ندایش را اجابت کردیم و آنچه از آسیب و سختی به او بود برطرف نمودیم، و خانواده اش را [که در حادثه ها از دستش رفته بودند] و مانندشان را همراه با آنان به او عطا کردیم، که رحمتی از سوی ما و مایه پند و تذکّری برای عبادت کنندگان بود.(۳)

و پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عرضه داشت:

«وَقُل رَبِّ اِغْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَیْرُ الرَّاحِمینَ» (۴)

و بگو: پروردگارم، مرا بیامرز و به من رحم کن، که تو بهترین رحم کنندگانی.

صالحان و مؤمنان هنگام اندیشه در آفرینش آسمانها و زمین عرضه داشتند:

«رَبَّنا ما

۱- انبیاء (۲۱): ۸۹.

۲- یوسف (۱۲): ۱۰۱.

۳- انبیاء (۲۱): ۸۳ و ۸۴.

۴- مؤمنون (۲۳): ۱۱۸.

خَلَقْتَ هاذا باطِلًا» (۱)

ای پروردگار ما، تو این آسمان و زمین را بیهوده و باطل نیافریده ای.

و ابلیس هم که در نهایت تکبر و عصیان بود، با توسل به این نام تا روز قیامت درخواست مهلت کرد:

«قالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِی إِلَی یَوْمِ یُبْعَثونَ»(۲)

گفت: مرا تا زمانی که همگان برانگیخته میشوند مهلت ده.

«عَنْ رَسُولِ اللّهِ صلی الله علیه و آله أَنَّهُ قَالَ: مَنْ قَالَ یَا اللّهُ یَا رَبِّ سَبْعَ مَرَّاتٍ ثُمَّ سَأَلَ مَا شَاءَ أُسْتُجِیبَ لَهُ».(۳)

از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت شده:

هرکس هفت بار بگوید: «یا اللّه یا ربّ» خدا دعایش را اجابت میکند.

«عَنْهُ صلی الله علیه و آله: إِذَا قَالَ الْعَبْدُ: یَا رَبِّ، یَقُولُ اللّهُ تَعَالَی: لَبَّیْکَ، وَإِذَا قَالَهَا ثَانِیاً وَثَالِثاً، قَالَ اللّهُ تَعَالَی: لَبَّیْکَ عَبْدِی سَلْ تُعْطَ».

هنگامی که بنده مؤمن یک بار بگوید: «یا رَبِّ» حضرت حق میفرماید: «لبیک» و چون بار دوم و سوم خدا را با این نام بخواند، ندا رسد: بخواه تا عطا کنم.(۴)

هنگامی که عبد محتاج، دست به پیشگاهش بردارد و به امید اینکه مورد عنایت قرار گیرد، با دل پردرد و زبان پاک- چه میان جمع و چه در تنهایی- فریاد بزند:

«یا اللّه»، «یا رحمان»، «یا کریم»، «یا ربّ»، «یا ارحم الرّاحِمین»، محال است شنونده کریمی چون حضرت حق، پاسخ او را ندهد.

مناجات با خدا و ترجمه جملاتی از بخش پایانی دعای کمیل

پروردگارا، تو خود را در قرآن مجید، غفار و عَفُوّ و شکور و کریم و ارحم الراحمین و دارای فضل معرّفی کرده ای.

من یقین دارم که سائلی از این درگاه دست خالی برنمیگردد، و امید کسی را در این پیشگاه نا امید نمی کنند، و احدی

ص: ۷۰

۱- آل عمران (۳): ۱۹۱.

۲- حجر (۱۵): ۳۶؛ ص (۳۸): ۷۹.

۳- مستدرک الوسائل: ۵/ ۲۱۹، باب ۳۱، حدیث ۵۷۳۵.

۴- مستدرک الوسائل: ۵/ ۲۲۰، باب ۳۱، حدیث ۵۷۳۸. روایات متعددی در این باب در کتاب های: الکافی: ۲/ ۵۲۰، باب من قال یا رب؛ وسائل الشیعه: ۷/ ۲۸۵ باب ۳۲؛ مستدرک الوسائل: ۵/ ۲۱۹، باب ۳۱؛ بحار الأنوار: ۹۰/ ۲۳۳، باب ۱۲ و... موجود است.

را از این آستانه نمیرانند.

پروردگارا، تو «حر ابن یزید» را با آن گناه سنگین و کم نظیرش، و «آسیه» همسر فرعون را پس از ایمان آوردنش، و «فضیل عیاض» را بعد از توبه اش، و هزاران هزار گناهکار دیگر را- که همه به تو و به کرم و لطفت چشم امید داشتند-، پذیرفتی و بخشیدی و پاداش دادی؛

چگونه من به خود نا امیدی راه دهم در حالی که نا امیدی از رحمتت را در قرآن مجید مساوی با کفر دانسته ای!

«وَلَا تَيْأَسُو مِن رَوْحِ اللّهِ إِنَّهُ لَا يَيْأَسُ مِن رَوْحِ اللّهِ إِلَّا الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ». (۱)

و از رحمت خدا مأیوس نباشید؛ زیرا جز مردم کافر از رحمت خدا مأیوس نمیشوند.

اکنون ای اکرم الاکرمین، ما به امید اینکه با کرم بینهایتت، از ما گذشت میکنی، خاکسارانه به تمام گناهان و خطاهایمان اعتراف میکنیم.

پس با بزرگواریت به ما نظر کن که اگر با بزرگواریت به ما نظر کنی، محبّت و مهربانیت را از ما دریغ نخواهی کرد، و نهایتاً این گدای تهی دست را از بخشش و عطایت بینیاز خواهی نمود.

«ای (مهربانی) که با سرعت (فوق تصور، از بنده ات) راضی میشوی، کسی را که جز دعا، چیزی در اختیار ندارد بیامرز؛ زیرا تو هرچه بخواهی انجام میدهی.

ای کسی که نامش دوا، و یادش درمان، و طاعتش توان گری است، رحم کن به کسی که سرمایه اش امید، و ساز و برگش گریه است.»

«پروردگارا، ای آنکه بر بخشش و گذشت از بنده خویش سرعت میورزی، و بدیها و کاستیهای او را به یکباره نادیده میگیری، بنده خطاکار خویش را عفو نما

ص: ۷۱

۱- یوسف (۱۲): ۸۷.

که او جز تضرّع بر درگاه تو راهی نـدارد و در تمام کائنات- که تو مالک آن هستی- غیر از دعا و عرض حاجت بر درگاه تو سرمایه ای در اختیار او نیست.»

«قُلِ اللّهُمَّ مالِکَ الْمُلْکِ تُؤْتِی الْمُلْکَ مَنْ تَشاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْکَ مِمَّنْ تَشاءُ وَتُعِزُّ مَنْ تَشاءُ وَتُذِلُّ مَنْ تَشاءُ بِیَدِکَ الْخَیْرُ إِنَّکَ عَلی کُلِّ شَیْ ءٍ قَدیرٌ»

بگو: خـدایا، ای مالـک همه موجودات، به هرکه خواهی حکومت میـدهی و از هرکه خواهی حکومت را میسـتانی، و هرکه را خواهی عزّت میبخشی و هرکه را خواهی خوار و بی مقدار میکنی، هر خیری به دست توست، یقیناً تو بر هرکاری توانایی.(۱)

اکنون که بنـده با تمام دارایی خویش، پیش آمـده، تو نیز از کرامت بیکران خود بر من ببخش و بـدیهای مرا در وجودِ سراسـر رحمتِ خویش محو نما، تا رضایتت نصیب من گردد و این از چون تویی بعید نیست، که تو بر هر آنچه بخواهی توانایی.

کریم، از تهیدست و فقیر نمیپرسد چه آورده ای، بلکه از راه لطف و محبّت میپرسد: چه میخواهی؟

اینکه فرموده ای اگر یـک قـدم به سوی من آییـد، من ده قـدم به سوی شـما می آیم، ای مولـای مهربـان من، چنان درمانـده و مضطر و بیچاره ام، و چنان از پا افتاده و ناتوانم، که این یک قدم را هم نمیتوانم به سوی تو آیم،

این یـک قـدم را نیز تو به سوی این فقیر تهیـدست بیا، تا از اسارت هوا و زنـدان نفس و زنجیرهایی که شـیطان به دست و پای جانش نهاده، آزاد شود و در فضای رحمت و مغفرتت به پرواز در آید.

ای کریمترین

۱- آل عمران (۳): ۲۶.

کریمان، ای وجود مبارکی که هر کاری بخواهی بر اساس حکمت و مصلحت و عدل و رأفت و رحمت انجام میدهی.

پروردگارا، تهیدست و بی نوایی هستم که بر تو واردم و چیزی هم که لایق تو باشد به محضرت نیاورده ام.

این گدای محتاج را از خزانه کرمت تا جایی مورد محبّت قرار ده که همه گناهانش بخشیده شود، و بدنش بر آتش دوزخ حرام گردد، و راهش به سوی بهشت باز شود، و به سعادت دنیا و آخرت و به اوج خشنودی و رضایت تو برسد.

پروردگارا، ای کسی که تمام خواسته ها وابسته به خواسته توست، و ای مهربانی که جز صلاح بنده خویش نخواهی، و به طرفه العین از کردارهای زشت و ناپسند او و از کوتاهی هایش میگذری، نام تو دوای دردهای من است و یاد تو شفای بیماریهای من.

«اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَافْعَلْ بِی مَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَصَلَّی اللّهُ عَلَی رَسُولِهِ وَالْأَئِمَّهِ الْمَیَامِینِ مِنْ آلِهِ وَسَلَّمَ تَسْلِیما».

بر محمد و آل محمد درود فرست، و با من آنگونه که سزاوار توست رفتار کن،

و درود زیاد و فراوان خدا بر پیامبرش و امامان خجسته از خاندانش.

منبع

شرح دعای کمیل و جلد اول تفسیر حکیم استاد حسین انصاریان

ص: ۷۳

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِی الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

